



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

شماره

## ویژه نامه و روشی های ۹۵



## پویش علاقه‌ی ماست به نوشتن، به آگاهی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

پویش علاقه‌ی ماست به نوشتن، به آگاهی.

# پویش

## ویژه نامه‌ی دانشجویان ورودی ۹۵

شماره‌ی صفحه

عنوان

۳	نخستین سخن	بخش آزاد	صاحب امتیاز	سردبیر
۴	ماهگوش		شورای صنفی دانشکده مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات	سینا بهارلویی
۶	خوش اومدید		طراح جلد	مدیر مسئول
۷	سخنی با مریان زندگی		زهرا عبودیت	رضا عباسی
۸	خوش آمدید به برهوت حقیقت		ویراستاران	صفحه آرایی
۱۰	دو روایت مختلف از ترم اول		سینا بهارلویی	سینا مهدی پور
۱۱	سنگین ترین بار		سینا مهدی پور	
۱۳	کودکی		عارف حسینی کیا	یاسمن میرمحمد
۱۴	هویت جاری		زهرا عبودیت	ماهین میرشمیس
۱۵	ملا شدن چه آسان است، آدم شدن چه مشکل		سعید میرزایی	سعید میرزایی
۱۷	چوب خط		محمد مهدی احمدیان	فاطمه هاشمی
۱۸	بوستان امیرکبیر		راضیه چاوشی	سینا بهارلویی
۲۰	جادبه‌های این حوالی	معرفی	مهدی صدقی	سجاد اعظمی
۲۴	معرفی آزمایشگاه‌ها و زمینه‌های تحقیقاتی		سامان اسکندری	مهدی طاهر احمدی
۳۰	کاهش سالانه، تغییر یک جانبه‌ی یک قرارداد	مسئله‌ی صنفی	فرزان رواقی	سروش سرابندی
۳۱	حوالی برگزاری جشن ورودی ۹۵	دل نوشته		

مجله‌ی پویش، برگزیده‌ی سوم بخش نشریات سالانه‌ی فرهنگی اجتماعی افرا

آرزوی ما این است که در شماره‌های آتی قلم شما عزیزان  
تازه وارد هم به مجله‌ی پویش روحی تازه ببخشد



سینا مهدی پور

شورای صنفی دانشکده  
مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات

لحظه لحظه گذشت و خوب و بد پشت سر گذاشته شد تا  
امروز اینجا یار و یاور یکدیگر باشیم؛ تا دست به قلم ببریم  
و نقطه نقطه و خط به خط با شوق و شور بنویسیم و از  
جوهر تن به کالبد بی جان کاغذ روح ببخشیم.  
پویش تنها نام یک مجله نیست، بلکه چتریست برای  
مجموعه‌ی آزادی از فعالیت‌های دانشجویی که با  
دانشجو، خواسته‌ها و آرمان‌هاییش تعریف می‌شود.  
شورای صنفی به عنوان مدافع و پاسدار همیشگی حقوق  
دانشجویان پرافتخار دانشکده، هرگز از تلاش برای رفاه و  
آسایش آنان دریغ نخواهد کرد و مجله‌ی پویش بستریست  
برای گفتن و شنیدن دغدغه‌های پر ارزش شما دانشجویان.  
امیدواریم که در کنار شما دوستان جدید روز به روز بر  
کیفیت و کمیت مجله‌ی عزیز تر از جامان بیافزاییم و به  
کسب افتخارات شایسته‌ی شما دانشجویان بزرگ نایل  
آیم.  
دعوت می‌کنیم که یاورمان باشید در آرمان افزودن به چتر  
پویش.

پی‌نوشت: به علت ازدیاد مطالب و اختصاص یافتن این  
نسخه به دانشجویان ورودی جدید از چاپ مطالب  
بخش‌های دیگر مجله (موسیقی، فیلم، فلسفه و...) صرف  
نظر شد.





دورتر رفت. ماهگوش از روی کنجکاوی دنبالش کرد. درست پشت پیچی، تعدادی تخته سنگ دید که مسیر منظم و قشنگی را به آن طرف رودخانه خروشان درست کرده بود. روباه با آرامش از روی تک تک تخته سنگها پرید و به آن طرف رودخانه رفت.

- از کجا بلد بودی؟
  - اینو ... کاری نداره که !!! یکم نگاه کردم ...
  - خب من از قدیمی‌ها پرسیدم، بلد نبودند!
  - قدیمی‌ها رو ولشون کن! بهشون اعتمادی نیست...
  - خودت باید پیدا کنی! خودت باید خط رودخونه رو بخونی ...

ماهگوش یادش آمد. همه می‌گفتند که این روباه قسم راه‌ها و زیرگذرها و سوراخ‌های درخت‌ها را بلد است. خیلی بیشتر از قدیمی‌هایی که چندین سال است در این بیشه زندگی می‌کنند. اما باز هم ... یک روباه بود!!! حواسش جمع بود زیاد به او اعتماد نکند.

\* \* \*

ماهگوش درحالی که سخت در فکر بود، قدم زنان به سمت مرکز بیشه می‌رفت. ناگهان از بالا کسی فریاد کشید - آهاسیس، .... ماهگوش!

- آهاسیسی .... ماهگوش!

نگاهی انداخت و لابه‌لای شاخه‌ها می‌مونی را دید. می‌میون پوزخندی زد و گفت: باز یادت رفت؟ دو روز پیش زیر لب داشتی می‌گفتی می‌خوای به شتر بیرون از بیشه سر بزنی ... اینجا چی‌کار می‌کنی؟ ماهگوش تعجب کرد.

ماهگوش تعجب کرد.

- تو از کجا می‌دونی؟
  - فکری در این بیشه نیست که من ازش خبر نداشته باشم ... چه برسه به گفت و گویی!!! من همه‌چی رو این‌جا دارم.

و با لبخند کریهی انگشتیش را به شقیقه اش چسباند.  
ماهگوش لبخندی زورکی زد و سریع راهش را به سمت خارج بیشه کج کرد. زیر لب با خود گفت: بیشتر مراقب افکارم باشم.

روباه با دوست صمیمی اش گرگ، کنار یکی از بزرگترین بوتهای بیشه جا خوش کرده بودند. ماهگوش و اسب در حال رفتن بودند که سد راهشان شدند.

شنیدهایم غذا دارید! -  
ماهگوش از ترس به خود می‌لرزید. به اسب  
نگاه کرد. دید او هم رنگی بیرون چهره ندارد. گرگ

نوك مي زدي، تو خونه‌ي کرم‌ها در مي‌ومدي؟

- بیین بنفس! ... من داشتم میون بر میزدم! اصلا درستش همینه! از کجا میدونی جلد اشتباه نگفته؟؟؟
  - آخه من امتحان کردم!! درست درومد پس ... خرچنگ بلند خنید و گفت: خب شاید هردوتون درست میگد!! نه ماهگوش؟

ماهگوش هم با تردید و لبخندی زورکی تایید کرد. در مورد حرف‌هاشون هیچ ایده‌ای نداشت! در همان حال که قناری‌ها با هم کل کل می‌کردند، خرچنگ به پهلوی ماهگوش ضربه‌ای زد و دشتنی را بست بشه نشانش داد.

- آن اسب سفید و آن گربه‌ی وحشی نارنجی و آن سمور آبی را می‌بینی؟ آن‌ها هم تازه وارد هستند ... درست مثل ما.

ماهگوش چشم‌هایش را ریز کرد تا درست ببیند.  
گربه‌ی وحشی نارنجی خیلی موهای قشنگی داشت.  
جوری که در آن غروب، آتشین به نظر می‌رسید.  
سمور آبی هم به نظر بامزه و کوچولو می‌آمد،  
با این حال آرام و مظلومانه پشت سر گربه و اسب  
حرکت می‌کرد.

اسب سفید به نظر خیلی مهربان می‌آمد. از آن حیواناتی که با عشق به همه چیز نگاه می‌کنند. از راه رفتنش بر روی گل‌های دشت مشخص بود. کلی با گربه در حال خوش‌بیش بودند و هر دو گرم م‌خندیدند.

## ماہگوش لخند کو حکم زد.

★

جریان خروشان رودخانه، سد عبور ماهگوش شده بود. نمی‌دانست چه کار کند. چندین بار از کسانی که می‌شناخت پرسیده بود که چطور می‌تواند این رود را رد کند، ولی کسی حرف درست به او نمی‌زد. کرگدن که گفته بود احتمق است اگر از درخت بالا بررود و از روی شاخه‌ها بپرد. بهترین راه این است که از وسط رود شناکنان به سمت دیگر بررود. بقیه دوستانش هم که بین زمین و هوا مانده بودند. روباهی در کنار رود توجهش را جلب کرد. خیلی راحت می‌داده بود و به آب‌ها نگاه می‌کرد.

- سلام
  - سلام
  - میدونی چه طوری باید از اینجا رد بشم؟
  - همون جوری که بقیه رد میشن!

ماهگوش سکوت کرد. روباه از چایش بلند شد کمی /: - \: -

## خوش اومدید

فاطمه هاشمی



سلام. سد کنکور هم پشت سر گذاشته شد، تبریک می‌گم. امیدوارم بخشی از بهترین لحظه‌هایتونو این‌جا بسازید که آخرش دلتون تنگ بشه! توی خیلی از موقعیت‌ها و طبیعتاً بیشتر سختی‌ها از خودم پرسیدم چرا کسی نبود بهم کمک کنه؟ راهنمایی کنه؟ اشتباها تمو اصلاح کنه؟ یه فرضیه می‌تونه این باشه که من روابط اجتماعی خیلی خوبی نداشتم یا شاید حوصله نداریم تجربه‌هایمونو منتقل کنیم؛ شاید هم می‌خوایم بقیه روی پای خودشون بایستن یا این‌که یاد بگیری از گوگل استفاده صحیحی داشته باشن!!

من می‌خواه چندتا توصیه‌ی کوچیک داشته باشم، شاید به درد یکی از شما ورودی‌های عزیز بخوره. بچه‌های این دانشکده به صمیمیت معروف‌اند پس سعی کنید با بقیه ارتباط برقرار کنید؛ با هم ورودی‌های خودتون، با بزرگ‌ترها، با اساتید و ... قطعاً با یه تعدادی از بچه‌ها صمیمی‌تر خواهید شد ولی محدود به همون افراد نباشد. برای خودتون هدف تعیین کنید. بزرگ یا کوچیک. یه تصویر نسبتاً واضحی از آینده‌تون توی ذهن‌تون داشته باشید. فعل باشید جوری که خسته بشید تا بعدها ناراحت این نباشید که چرا زودتر شروع نکردم. دانشگاه فقط کلاس رفتن و امتحان دادن و نمره گرفتن نیست. خیلی خیلی چیزهای دیگه برای یادگرفتن هست که حتی می‌تونم بگم برای مهندس شدمون لازمه و کسی قرار نیست بهمون آموزش بد. تلاش کنید تا عقب نمونید. شاید هنوز اطلاعات کافی نداشته باشید ولی مطمئن باشید توانایی‌های کافی برای کارکردن و فعالیت توی بسیاری از زمینه‌ها و گروه‌ها رو دارید. پس شروع کنید حتی قبل از این‌که آماده باشید.

مطالعه کنید. خیلی مطالعه کنید. اطلاعات‌تونو بالا ببرید و به روز کنید. در جریان مقالات باشید، فیلم ببینید، به سایت‌های مهم سر بزنید و از آخرین پیشرفت‌ها مطلع باشید. توی کنفرانس‌ها، دفاع‌ها، ارائه‌ها و ... شرکت کنید. درباره دروس دانشکده و جزئیات‌شون مطالعه داشته باشید، درباره موضوعات

نگاهی به هر دویمان انداخت و بلند خنید.

- بیایید... ما کمی غذا داریم... بهتان می‌دهیم... این قدر ترسناک به نظر می‌رسیم؟ ماهگوش باشک به قیافه‌ی ناراحت گرگ نگاه کرد. آن‌قدر ترسناک نبود. لبخندی تحویلش داد.

- راستی... این راهی که می‌روید، بسته است... از این‌ور بروید... البته من هیچی بلد نیستم... از روباه هم بپرسید.

- اما به نظر می‌اد خوب بلد باشی. ماهگوش در حالی که داشت اسب را با خود می‌کشید راه خود را کج کرد.

\*\*\*

اکثر مردم دنیا بر این باورند که بدترین شکنجه، چکاندن قطرات آب با ریتم ثابت روی پیشانی - درحالی که تمام بدن را سفت بسته‌اند - می‌باشد. یک روتین بی‌پایان... ساعتها به همین منوال... چک ... چک ... چک

همیشه سوال بوده که چرا آدم‌ها باران را دوست دارند... اما زیر باران ماندن رانه ... عجیب است ... نه؟ با این که قطرات باران وحشی هستند ولی ...

گودال پر از آبی که پس از اتمام این باران وحشی شکل می‌گیرد، زمین بی‌پناهیست که زمانی شاید حتی برای خودش کوهی بلند بوده، اما تدمام این ضربات از او گودال سیاه و ترسناکی ساخته است. تداوم قطره ... شکنجه همین است... «سایش بی‌نهایت عنصر حیات بر روی جوینده‌ی حیات»

ماهگوش رو به دریا نشسته بود و بر روی اسب سفید، که حالا خیلی باهم صمیمی شده بودند، لم داده بود.

- ماهگوش گلی جون ... به چی فکر می‌کنی؟ ماهگوش به آبتنی گربه و سمور آبی و خرچنگ نگاه می‌کرد. قناری‌ها هم بالای سرشاران بالبال می‌زدند. صدای خنده‌هایشان سنگینی فضای عصر را می‌شکست و کمی نرم می‌کرد. حس شیرین ادامه دادن را القا می‌کرد.

- جلوی بارون رو نمی‌تونیم بگیریم اسب جان...

- پس چی کار کنیم؟

- از مرکز فرود چکه‌ها فاصله می‌گیریم و هم‌سفر همیشگی موجه‌ای مسافر به سمت ابدیت می‌شیم... نظرت چیه؟ و به جمیع دوستانشان در آبهای خنک دریا پیوستند.

# سخنی با مریبیان زندگی!

## سجاد اعظمی



از پابلو پیکاسو نقل می‌شود: «هر کودکی هنرمند به دنیا می‌آید، مساله هنرمند باقی‌ماندن است، در زمانی که رشد می‌کنیم».

مساله‌ای که همواره در زندگی درگیر آن هستیم تعادل بین تصمیمات و نتیجتاً کارهاست. با نگاهی کلی این مساله در محیط دانشگاه می‌تواند به تعادل بین درس و کارهای جانبی محدود شود. در همین ابتدا به این نکته اشاره کنم که منظور از درس، واحدهای درسی و متعاقباً نمرات آن‌هاست که اگر غیر از این بود، بسیاری از کارهای جانبی هم می‌توانستند به نوعی درس محسوب شوند.

اگر این تعادل را با یک معادله‌ی خطی دو مجهولی مدل کنیم، مساله به تعیین ضرایب این دو خلاصه می‌شود.

حال این سوال مطرح می‌شود که کنش‌ها برای تعیین این دو ضریب چیست؟ عواملی مانند تجارب شخصی، عادت‌های زندگی یا حتی استعدادهای فردی، همگی در تعیین این ضرایب برای زندگی دانشگاهیمان تاثیرگذارند. ولی اگر نخواهیم پاسخ‌ها را شخصی‌سازی کنیم، دو عامل «دوستان سال بالایی» و «اساتید» تقریباً برای همه مشترک است.

برای مورد اول یا همان دوستان سال بالایی، صریح بگوییم، برای آینده‌ای که خودمان هم نمی‌شناسیم نسخه نپیچید! بدیهیست منظور از آینده، آینده‌ی دور است که راهش از همین حالا شکل می‌گیرد. تعجم از کسانیست که چند سال اختلاف سنی را کافی می‌بینند تا زندگی یک دانشجوی ورودی جدید را جهت بدنه! احتمالاً هیچ وقت دادگاهی برای محکمه‌ی این افراد تشکیل نشود ولی اگر کسی از آن هنرمندی که پیکاسو متصور شده بود دور شود، تمام این «مریبیان زندگی» محکومین آن محکمه خواهد بود.

اما در مورد عامل دوم یعنی اساتید موضوع جدی‌تر است. ساده‌ترین دلیلش می‌تواند این باشد که اساتید علاوه بر اعلام نظر، معمولاً قدرت اعمال آن را هم دارند.

این که یک جهت دقیق و خاص برای جامعه‌ای نسبتاً

متفرقه؛ رمان بخونید، فلسفه بخونید؛ شعر، تاریخ و... می‌گن آدمی که چندسال دیگه هستید کاملاً متأثره از کتاب‌هایی که الان می‌خونید و افرادی که الان باهاشون در ارتباط هستید.

حتمًاً سر کلاس‌ها حضور مادی و معنوی(!) بهم رسانید به خصوص دروس دانشکده. در اکثر موارد واقعًاً خوب و مفیده و برای امتحانات هم خیلی راحت‌تر خواهید بود. یه نکته دیگه هم که زیاد گفته می‌شه و کسی زیاد گوش نمی‌کنه اینه که درس خوندن توی دانشگاه با دیبرستان فرق می‌کنه، درواقع باید فرق کنه. سعی کنید کتاب مرجع بخونید، به جزو و اسلاید اکتفا نکنید و به صرف حل نمونه سوال امتحاناتو پاس نکنید.

از تابستان‌ها خیلی استفاده کنید. بسیار خوش بگذروند که در طول ترم خسته نشید و جا نزنید و خیلی خوبه اگه بعد از تفریح حسابی کارهای مرتبط با رشتتون هم بتونید انجام بگیرد.

مهندسين گرامي بـيـزـحـمـتـ اـزـ هـمـيـنـ تـرمـ لـيـنـوـكـسـ نـصـبـ کـنـيـدـ! به این دانشکده خوش اوهدید! لطفاً شاد و سم باشید.



«مریبان زندگی» بیش از حد بها دهیم، بیشک به خط رفته ایم.

## خوش آمدید به برهوت حقیقت

سینا بهارلویی



به طور معمول وارد شدن اعضایی جدید به مجموعه‌ای از پیش ساختاریافته به خصوص اگر با مجموعه‌ای انسانی همراه باشیم، مسئله‌ای حساس و پیچیده است. چرا که اعضای گذشته به سبب عدم آشنایی با محیط جدید و تفاوت‌هایی که ممکن است با اعضای آن داشته باشند اغلب دچار اضطراب یا ترس می‌شوند و در مواردی هم نسبت به حل شدن در مجموعه‌ی جدید مقاومت می‌کنند. یونگ روانشناس مشهور قرن بیستم از منظری خاص انسان‌ها را به دو دسته‌ی بروونگرا و درونگرا تقسیم می‌کند. بروونگراها توانایی بالایی در کشف و انطباق با محیط خود و تبعیت از قوانین آن دارند. چنین افرادی اگر توانایی‌هایشان را به کار گیرند، به سرعت راه موفقیت در جمع جدید را پیدا می‌کنند (معیارها و سنجه‌های این موفقیت هم توسط همین محیط جدید تعریف شده است) و یکی از اعضای نمونه‌ی آن مجموعه می‌شوند. نحوه‌ی نمره‌ی بالا گرفتن را سریع یاد می‌گیرند (که لزوماً به معنای زیاد درس خواندن یا تسلط کامل و عمیق به درس‌هایشان نیست)، دوستان فراوانی پیدا می‌کنند و در جمع‌ها محبوب هستند، چرا که به سرعت قوانین رفتاری هر جمع یا فردی را پیدا می‌کنند و با تطابق دادن خود با آن‌ها احترام و دوستیشان را کسب می‌کنند. در مقابل افراد درون‌گرا قرار دارند که دانش و بینش خود را از درون خود کسب می‌کنند. در مقابل محیط مقاوم و یاغی هستند. این گروه دوم درصد کمتری را تشکیل می‌دهند و بسیار پیچیده‌تر هستند. بزرگ‌ترین نوابغ علمی و فلسفی، خشن‌ترین دیکتاتورها و افسرده‌ترین شاعران و هنرمندان در این زمرة قرار دارند. این افراد توانایی پایینی در انطباق خود با محیط و افراد دارند. معمولاً دوستان کمتری دارند و ایده‌ها و اعمالی دارند که برای دیگران «تعریف‌ناشده» است. همچنین آمار خودکشی در

«متنوع» در نظر بگیریم، کار ساده‌ای به نظر می‌آید. حال این‌که ریاضیات آماری به ما می‌گوید مدل‌های ساده روی داده‌های متنوع خطای زیادی دارند. از طرفی سیستم آموزشی نمی‌تواند بیش از این در مقابل این داده‌ها (دانشجویان) انعطاف نشان بدهد. به نظر می‌رسد این بار سنگین به دوش اساتید است که به جای حذف صورت مساله، به عبارتی حذف پراکندگی داده‌ها یا دقیق‌تر بگوییم، یکسان دیدن همه‌ی دانشجوها، انعطافی که انتظار می‌رود را با ترکیبی از تجربه‌ی ارزشمندان در این سیستم اعمال کنند.



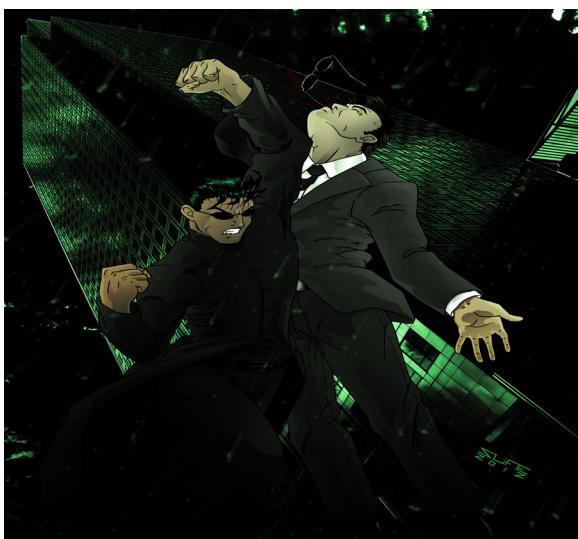
لازم به یادآوری نیست که اساتید و سال‌بالایی‌ها -خصوصاً در این برهه- نقش موثری در جهت‌دهی دانشجویان دارند، که بی‌شک، مسئولیتی خطیر است. پس بهتر است مراقب نظراتمان و بعض‌ا تصمیماتمان باشیم.

در نهایت این نکته قابل ذکر است که این گفته‌ها به هیچ وجه سلب مسئولیت از جوینده‌ی نصیحت نیست. با وجود قمام عوامل خارجی، تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی خودمان هستیم. میلان کوندرا در «بار هستی» نوشت: «هیچ وسیله‌ای برای تشخیص تصمیم درست وجود ندارد، زیرا هیچ مقایسه‌ای امکان پذیر نیست. در زندگی با همه چیز برای نخستین بار برخورد می‌کنیم. مانند هنر پیشه‌ای که بدون تمرین وارد صحنه شود». این واقعیت که همه‌ی ما هنرپیشه‌های تمرین‌نکرده‌ی صحنه‌ی زندگی هستیم کافیست تا درنهایت مسئولیت همه‌ی رسیدن‌ها و نرسیدن‌های زندگیمان به گردن خودمان باشد.

حال اگر بخواهیم نتیجه‌گیری مجملی در مورد ضرایب معادله چند مجھولی زندگیمان داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم این ضرایب به دست هیچ کس جز خودمان تعیین نمی‌شوند، مگر این‌که به این واقعیت واقف نباشیم. یعنی اگر تصور کنیم راه‌های محدود و امتحان‌شده‌ای در پیش رو داریم و محکوم به انتخاب یکی از آنها هستیم، یا دقیق‌تر بگوییم،

شما بrhoذر می دارند. لحن صحبتشان با شما همچون کودکان و افراد نابالغیست که قدرت تشخیص چندانی ندارند و باید هدایت شوند. عباراتشان سرشار از "دانشجو باید"، "امیرکبیری باید" و جملات امیریست که شکل های پیشرفتی آنها را می توانید در کتاب های مدیریتی و رموز موفقیت عامه پسند (قوریگاهات را قورت بده، پدر پولدار پدر بی پول، چگونه مرد/زن ایده آل همسرمان باشیم؟ و ...) پیدا کنید. مانند ایجنت ها می توانند به شکل های گوناگون در بیانند و به جای آن که اندیشه و عقایدشان تعیین گر اعمالشان باشد، منافعشان شکل دهنده ای اعمالشان است.

در مقابل این ایجنت ها دو راه پیش رو دارید. یا باید همان طور که سایفر به نیو<sup>۱</sup> توصیه می کند در صورت دیدن چنین افرادی کم بیاورید و با قام سرعت پابه فرار بگذارید (چرا که تا به حال کسی در مقابل قدرت بدنی و سرعت آنها دوام نیاورده است)، یا هم به قول مورفیوس بایستید و بجنگید. چرا که هر چند ایجنت ها برترین های ماتریکس هستند اما در نهایت محدود به قوانین آن هستند و بی بهره از اراده ای برای فراتر رفتن از محدودیت ها. شاید مهم ترین بینشی که قهرمان ماتریکس در طول فیلم به آن می رسد جمله‌ی مورفیوس مبنی بر "به زودی خواهی فهمید که فرقیست میان دانستن مسیر و رفتن مسیر". در نهایت، امر تعیین کننده نه قوانین جبری (که در فیلم در قالب پیشگویی های اوراکل معرفی می شود) که اراده هی شماست. همان طور که یونگ هم اشاره می کند درون گرا یا برون گرا بودن با وجود ارتباط آن با ژنتیک و محیط، امری قطعی و از پیش تعیین شده نیست و فرد می تواند با اتکا بر اراده اش از یکی به سمت دیگری حرکت کند.



قهرمان فیلم ماتریکس

۱

میان این دسته بالاتر است. اگر فیلم ماتریکس را دیده باشید، جایی قهرمان فیلم که به تازگی از ماتریکس<sup>۲</sup> جدا شده است، از مورفیوس<sup>۳</sup> می شنود که اولین فردی که از ماتریکس خلاص شد، به جای تبعیت و واکنش صرف نسبت به سیگنال های ماتریکس توانایی عجیبی در تغییر و بازآفرینی آن داشته است. فردی که اولین دسته ای انسان ها را از ماتریکس جدا کرد. در ماتریکس افراد موفق بسیاری قرار دارند. بازیگران، مدیران و ... که بستگی به توانایی تطابق مغزشان با ماتریکس در مقام های گوناگون قرار دارند. قهرمان داستان که از قضا آدم درون گرایی هم هست و در ماتریکس با وجود موفقیت نسبی رنج می کشد، توسط ایجنت ها دستگیر می شود. ایجنت ها به او می گویند شما دو زندگی دارید. در یکی برنامه نویس یک شرکت مرتبط نرم افزاری هستید، مالیاتان را سر موقع می دهید و به همسایه تان در دور ریختن آشغالها کمک می کنید، در یکی هم هکری کامپیوتری هستید که اعمالی خطرناک انجام می دهد. تنها زندگی اولتان قابل ادامه دادن است. قهرمان داستان هم به کمک نجات یافتن قلی موفق به جدا شدن از ماتریکس و پاگداشتن به دنیای واقعی می شود. شما هم در محیط جدید تان با ایجنت هایی مواجه می شوید (در خوشبینانه ترین حالت. چرا که بسیاری از ایجنت های دانشکده می بازند) ایجنت های ماتریکس حتی روش های موفقیت در دانشکده را به خوبی نمی شناسند) که نگهبانان ماتریکس هستند. یک سری مسیر مشخص و از پیش تعیین شده به شما معرفی می کنند و راه موفقیت را برایتان تعیین می کنند. اگر خود را هر چه سریع تر در جو دانشکده قرار ندهید، یا تجارت و افکارشان را دنبال نکنید با کمک اعضای ماتریکس با شما مقابله می کنند. رفتارهای جدید یا تصمیم های ناآشنا را به رسمیت نمی شناسند و احتمالاً بقیه را از ارتباط با

۱ شبکه ای هوشمند، ساخته شده توسط روبات های پیشرفتی، که از طریق شبیه سازی سیگنال های مغزی به مغز انسان ها دستور می دهد و تمام تصاویر، اصوات، بوها و ... را شبیه سازی می کند. انسان ها در این شبکه ای خیالی زندگی می کنند و در محفظه هایی بسته بندی شده اند و از بدن شان برق تولید می شود.

۲ فرد نجات دهنده ای قهرمان ماتریکس

۳ نگهبانان دروازه های ماتریکس، نرم افزارهایی هستند که می توانند هر جسمی را در اختیار بگیرند. وظیفه شان محافظت از تلفن های است که از طریق آن اعضای ماتریکس می توانند به دنیای واقعی بازگردند. قوی ترین دشمنان قهرمان داستان هستند و قدرت و سرعتشان در ماتریکس مهارناشدنی است.

افتخارم در زندگی آن است که می‌توانم بر سنگ قبرم بنویسم که: من یک فرد بوده‌ام. بدین معنا که مطیع و فرمان‌بردار عقاید و سبک زندگی زمان خود نبوده است و زندگی و اندیشه‌اش محصول تفکر، عواطف و تجربه‌ی خودش بوده است.

## دو روایت مختلف از ترم اول



راضیه چاووشی

یک: شما آدمی برون‌گرا و اجتماعی هستید و در یک کلام بلدید با دیگران بجوشید. خب روایت شما کوتاه است: شما آدم‌های موفق ترم یکید. شاید بلد نباشد کد بزنید اما بلدید از دیگران کمک بگیرید. از درس مبانی به سلامت می‌جهید. از آن جهش‌های شاخ‌گون! برای پاس کردن ریاضی ۱ با دوستان تازه‌ای که پیدا کرده‌اید می‌نشینید و مسایل ۷۰۷ را حل می‌کنید و نمره‌ی خوبی می‌گیرید. در چشم‌به‌هم‌زدنی با دانشگاه و دانشکده انس می‌گیرید و شاید حتی دست به کارهای اجرایی بزنید: در میز فروش بليت در صحن دانشگاه پستی به دست می‌گیرید و اولین فعالیت‌تان در شورای صنفی را آغاز می‌کنید. خوش آمدید!

دو: شما از آن دسته بچه‌هایی هستید که از دانشگاه و خودتان تصویر غیرواقع‌ینانه‌ای دارید. شاید زبان برنامه‌نویسی تاکنون یاد نگرفته‌اید و فکر می‌کنید به طور پیش‌فرض از همه عقیدتی این واقعیت که حداقل ۵۰٪ بقیه‌ی بچه‌ها هم یا بلد نیستند یا آنچه بلدند موجب رشک بردن نیست شما را آرام نمی‌کند. مباحث ریاضی ۱ و فیزیک ۱ را در دبیرستان بلد بودید. آن‌جا یک پا اوستایی بودید اما نمرات میان‌ترم شما در این دو درس شما را بهت‌زده می‌کند. فکر می‌کنید تمام استعداد و سوادتان پوشالی بوده است. به خودتان شک می‌کنید.

کلاس تمام می‌شود. کجا باید بروم؟ سایت که مال آدم شلوغ‌هاست. شورای صنفی و انجمن‌علمی که جای ترم بوقی‌ها نیست، خب سالن مطالعه را چرا دیگر برای خودت مننوع می‌کنی؟ آن‌جا حتماً کسی هست که شبیه تو باشد یا تقریباً شبیه باشد. کسانی که مثل تو کنکور داده‌اند و با رتبه‌ای شبیه

در دانشکده می‌توانید سبک خاص خودتان را برای درس خواندن و پروره زدن داشته باشید، می‌توانید در دوران دانشجویی کار کنید یا نکنید، می‌توانید اجتماعی باشید یا نباشید، نه کسی می‌تواند به شما گوش‌های گیری را اجبار کند، و نه آشنازی و دوستی با بیشینه‌ی ممکن از افراد را. می‌توانید بر خلاف اکثریت دانشجویان دانشکده عاشق دروس ریاضی باشید (یکی از ضعیف‌ترین دانشکده‌های دانشگاه در دروس ریاضی دانشکده‌ی کامپیوتر است. شاید به دلیل آن‌که مفید بودن دروس ریاضی در رشته‌ی کامپیوتر در بادی امر روش نیست. متأسفانه در ترم‌های آخر و یا تحصیلات تكمیلیست که ضرورت آشنازی مناسب با آمار و به تبع آن دروس دیگر ریاضی مشخص می‌شود و ممکن است بارها از زبان دانشجویان سالهای بالاتر بشنوید که "ای کاش این درس‌ها را بهتر می‌خواندم". هرچند بسیاری از دوستان هم صرف پاس کردن این دروس را کافی می‌دانند و معتقدند اختصاص تمامی وقت ترم‌های اول به دروس مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی پیش‌رفته انتخاب بهتریست) و هزار «می‌توانید» دیگر که غرض از مطرح کردن آن‌ها، اشاره به اراده و اختیار است. البته گوش کردن به سخنان هر فردی، خالی از لطف نیست و به قول گالیله «حتی احمق‌ترین فرد هم چیزی برای یاد دادن به شما دارد». شاید این جمله توجیهی باشد بر این چند خط آخر که می‌نویسم.

این‌که هر روز خود را بازبینی کنید و نسبت به نفستان سخت‌گیر باشید. از اشتباهات و ضعف‌هایتان به سادگی عبور نکنید. در مقابل دیگران چنان باشید که گویا این آخرین باریست که آن‌ها را می‌بینید. در این صورت با صبر و ملاحظت بیشتری با آن‌ها برخورد خواهید کرد. هر انسانی خلق شده از صورت خداوند است و روحی بالقوه خدای‌گون دارد. بنابراین سنجیدن و طبقه‌بندی کردن افراد بر اساس موقعیت اقتصادی، اجتماعی یا محل تولدشان بزرگ‌ترین بی‌عدالتیست. هرچند بیشتر افراد چنین دیدگاهی را می‌پذیرند اما اکثریت آن‌ها در عمل رفتار دیگری نشان می‌دهند. مهم‌تر از همه این‌که یک فرد باشید. به قول سورن کی‌یرکه‌گور<sup>۱</sup> بزرگ‌ترین

<sup>۱</sup> فیلسوف و الیات‌دان بر جسته‌ی دامارکی در قرن نوزدهم. از او به عنوان شخص‌ترین چهره‌ی اگریستانسیالیسم یاد می‌شود، که بر اراده، آزادی و مسئولیت انسان تاکید ویژه دارد و مرگونه تقلیل وجود انسان به یک سامانه‌ی فیزیکی، زیستی یا اجتماعی را مردود می‌داند. به عقیده‌ی او دشوارترین مسئولیت انسان مواجهه با مسئله‌ی ارتباط با مطلق (خداوند) است. ایمان به خداوند و ارتباط بتوسطه با او بالاترین تجلی اراده و اختیار انسان است و آن‌چنان مسئولیت و انتخاب دشوار و سگینیست که موجب هراس و دلهره و وجودی می‌شود.

## سنگین ترین بار



سعید میرزاei

درست لحظه‌ی بعد از جشن فارغ‌التحصیلی‌تون از دانشگاه (که احتمالاً ۴ سال بعد خواهد بود) رو تصور کنید. خسته ولی هیجان زده به خونه میرسین و بدون این‌که چیزی بفهمید، خوابتون می‌بره. فرسته‌ای در خواب به سمت شما می‌ماید و ازتون می‌پرسه حاضرین قمام لحظاتی که زندگی کردید رو نه یک بار، که بارها و بارها و تا ابد تکرار کنید؟ همه‌ی لحظات کودکی، قمام ثانیه‌های ۱۲ سال مدرسه رفتنتون و در نهایت هر پلک زدنتون در این چهار سال و حتی همین خواب رو؟ اولش به نظرتون شاید خیلی این حالت ترسناک به نظر برسه. همه‌ی چیز در چرخه‌ای ابدی و ازلى تکرار بشه بدون این که امر جدیدی پیش رومون باشه. ممکنه زبون به فحش و ناسزا باز کنید و اون فرشترو بروند. اما این امکان هم وجود داره اون رو به چشم یک موجود مقدس و نجات‌بخش ببینید. همین که این ایده بهمون مسلط بشه، می‌تونه زندگی‌مون رو تغییر بده. هر دفعه هر کاریو می‌خواین انجام بدین از خودتون می‌پرسین آیا دوست دارین که این کار رو چندین و چند بار تکرار کنین؟ این یک سوال سخته که باید از خودتون پرسین. حاضرین این ۴ سال رو چه جوری بگذرونین که بارها و بارها تکرارشه؟ احتمالاً کارهایی رو انجام میدین که نهایت عشق و علاقه رو بهشون دارین و درواقع تک‌تک کارهاتون رو ازش لذت میرین و عمیقاً عاشقش هستین که انجام میدین.<sup>۱</sup>

تبریک به ۹۵‌های عزیزتر از جان. وارد دوره‌ای بسیار پرهیجان، جالب و پر نوسان شدید و با تقریب خوبی می‌شه گفت اولین فرصت‌هاییست که یک ذره از جبرهای وارد به شما تو این ۱۸-۱۹ سال کم می‌شه و اختیارتون تو کارهایی که می‌کنید و نتیجه‌ی اون کارها منعکس می‌شه. تا آخر دیبرستان قالب‌های کلی زندگی یک شخص معمولاً مشخصه و اتفاقی خارج از اون نمی‌وقته و این ۴ سال اولین فرصت‌های

۱ این اندیشه که به "بازگشت جاودان" معروفه توسط فردیش نیچه فیلسوف نامدار آلمانی قرن نوزدهم مطرح شده. نیچه این آموزه رو به عنوان معیاری برای سنجش مروغوبیت زندگی ارائه میده. معیاری که باعث می‌شه "فضایل دروغین" رو کار بگذاریم و ریتم زندگی‌مون رو جوری تنظیم کنیم که مثل زیباترین موسیقی‌ها، بخواهیم بارها و بارها تکرارش کنیم.

تو در رشته‌ای که تو انتخاب کرده‌ای در دانشگاهی که تو کدش را وارد کرده‌ای قبول شده‌اند. لحظه‌ای به این همه شباهت فکر کن ... شبیه مسایل پرتاب تاس در آمار است؛ وقتی محاسبه می‌کنی با چه احتمالی تاس روی یک یال فرود می‌آید.

برو با هم یالی‌هایت دوست شو!

بچه‌های دسته دوم اگر خوابگاهی هم باشند شرایط را بخنچتر می‌بینند. بعد از کلاس‌ها اگر وقت خالی داشته باشند ترجیح می‌دهند بروند خوابگاه. از در و دیوار خوابگاه هم که ماتم می‌بارد و زود دلتنگ می‌شوند.

دسته دو ای‌ها: به خودتان سخت نگیرید، از خودتان توقعات زیاد نداشته باشید و اگر در آخر همه‌ی این‌ها جواب نداد این را یادآوری کنید که "ترم یک برای هیچ کس تا ابد طول نکشیده است." بالاخره این سخت‌ترین ترم هم تمام می‌شود و ترمی هم می‌رسد که ترم شما باشد. زمانی برای شاخ بودن شما!

از «ایران همینه و ...»، «اینجا ایرانه بالاخره و ...»، «این ایرانی‌ها هیچ وقت درست نمی‌شن و ...» بگیر تا انتقادهای گاه و بی‌گاه و بی‌پایه از هر المانی از حکومت به هر دلیل درست یا نادرستی.



در واقع یک خودباختگی و بی‌هویتی و تقلید ناقص برای آمریکایی شدن و به اصلاح مدرن زندگی کردن. که نه حتا مدرنه نه آمریکایی و نه هیچ چیز دیگه. ایرانی هم که ابداً نیست. یه تقلید ناشیانه و بی‌مزه نهایتاً.

در همین راستا شما باید دوران فراغتتون یک سری کافه ببرید حتماً یک سری سریال آمریکایی ببینید و شوخيای اين سریالارو به کرات در محاوره‌های روزمرتون استفاده کنید.

با اين ديدگاه حتماً مسیر آينده‌ی خيلي شفاف و روشن ترسیم ميشه. درس می‌خونید بعدش اپلای می‌کنید و از اين خراب شده که هیچ چيزش سر جاش نیست می‌رید به کشورهایی که قدر شما رو می‌دونند. آدمهای nice هستند و می‌تونید به آزادی‌هاتون(!) هم برسید. غمانگیزترین نکته‌ی تمام این صحبت‌ها بدیهی‌انگاری این حکم‌هast که اصلاً و ابداً بدیهی نیستند و حتی غلط‌اند. البته قطعاً مشکل متوجه یک سری از دانشجوهای یک دانشگاه و به خصوص یک دانشکده نیست. یکی از مدل‌هایی که برای انسان امروزی ساخته شده انتخاب می‌کنند و آن را که مدل راحت‌تری هم برای زندگی هست، کاملاً درست و بدیهی می‌دانند و اجازه‌ی بازنگری و هیچ‌گونه تغییر نمی‌دهند. مشکل از ساختار و فرمیه که در همه‌ی قشرها و همه‌ی سطوح هست. تجربه‌ی شخصی خودم از یکی از اساتید بزرگوار دانشکده بود که به اتفاقش رفتم برای مشورت برای آینده و ادامه‌ی تحصیل یا گزینه‌های دیگر. بعد از یکم صحبت به من گفت: «سعید اگر کسی بہت می‌گه برای ادامه تحصیل به خارج از کشور نرو، یا

جدی انتخاب برای یک فرد می‌تونه باشه. نهایت استفاده رو باید از این اختیار هرچند حداقلی ببرید و از این فضا استفاده کنید. به محض ورودتون به دانشگاه با جوهایی روبه‌رو می‌شید که هرگز دوم جهت‌گیری‌های خاص خودشونو دارن و عیب‌ها و مزایای خاص خودشون.

حقیقتاً دانشگاه قرار نیست انسان رو به مقصد خاصی برسونه. دانشگاه و دوران دانشجویی هم تنها یکی از مراحل زندگیه و نباید به دانشگاه به عنوان یک پل برای رسیدن به یک سری مقصد(که هر مقصدی می‌تونه باشه) نگاه کرد. فقط باید عشق ورزید، لذت برد و حتی آنی و کمتر از آنی اجازه‌ی عبور به زمان نداد مگر این که حال شما رو بهتر کرده باشه.

در عین حال دانشجو یکی از معدود قشراهای جامعه است که باید کنشگر باشه. حساس به محیط اطرافش باشه و بسیار باهوش. نتوان به راحتی بهش ظلم کرد و دروغ گفت. قشراهای مختلف جامعه از اساتید دانشگاه‌ها، مدیران ارشد، کارمندان و ... را در نظر بگیرید تا تاکسی‌دارها، کاسیین و بقیه‌ی مردم غرق در یک روزمرگی هستند که اولاً تقصیر خودشون نیس و دوماً وظیفه و انگیزه‌ای برای خروج از این روزمرگی ندارند. البته کسی هم انتظاری از این قشر برای تغییر ریشه‌ای ندارد. ولی دانشجوها چشم ناظر این روزمرگی باید باشند و این روزمرگی رو باید با هر هزینه‌ای از خودشون دور کنند و از بین برند. دانشجوها باید وجود داشته باشند. یعنی تیپ نباشند. ویژگی‌های اصیل و محکم داشته باشند و کاراکتر قایم و استوار باشند که بتوانند قویاً تغییر در اوضاع ایجاد کنند نه لزوماً مثل بقیه‌ی اکثریت باز تولید‌کننده‌ی فضای موجود.

ریشه‌ی اصلی این بی‌میلی و حس بد نسبت به مسیرهای از قبل تعیین شده به خاطره‌ی نه چندان شیرین خودم و خيلي از دوستان دیگر برمی‌گردد که تجربه کردن و البته سعی کردن راه متفاوتی پیش بگیرند و کم یا بیش موفق بودند.

راه حل عادی و معمولی که برای یک دانشجوی ۹۱ تبلیغ می‌شد و می‌دیدی کلاً چند تا ویژگی و فرم اصلی داشت. قدم اول این بود که به صورت خيلي کاذب و قلابی خودتون رو باید از بقیه متفاوت بدونید و هیچ مسولیتی در هیچ سطحی در هیچ جایی از اوضاعی که از اون انتقاد می‌کنید قبول نکنید. نتیجه‌ی این رفتار هم اخلاقی غرگروست که همیشه ریشه‌ی مشکل رو خارج از خود شما میدونه. دیگه



حتی به خاطر ندارم اولین بار کی برچسب  
صدآفرین به خاطر انشای با موضوع آزاد به دفترم  
چسبید، کی روی بورد زندگی که من تکخوان برتر  
استان شده‌ام یا کی بود که جایزه اولین کسی  
که آیت‌الکریم را حفظ کرد را گرفتم و اصلاً کی  
بود که در آزمون ورودی تیزهوشان قبول شدم که  
اصلان رفتم!

مثلاً چه طور شد که تیم کلاس ما در آن عصر  
بارانی تیم سوم انسانی را برد و اول شدیم؟ مگر  
کسی فکرش را می‌کرد؟  
حیف یاد نمی‌آید.

هرچه قدر فکر می‌کنم به خاطر ندارم روز و  
شب‌هایی را که شش ساعت یا کمتر می‌خوابیدم،  
درس می‌خواندم که کنکور قبول شوم. نه هر  
قبولی، نه، نه از آن‌ها که همان بار اول هم  
می‌شدم؛ یا کدام برهه از زندگی‌ام هر شب  
تمرین می‌کردم بروون‌فکنی کنم تا روح‌ام از بدنم  
خارج شود و هنگامی که من خوابم تاریخ ادبیات  
حفظ کند؟  
هان؟

تصاویر تار و مبهمنی هست، ولی خودشان  
حضور ندارند.

دیگر سختی آفتاب نزده بیدار شدن و پوتنی  
واکس‌زدن و آب شور به سر و صورت زدن و پای  
کوبیدن در رژیمی صبح‌گاه در زیر آفتاب کویر در  
بدترین پادگان کشور، هرچند در بهترین روزهای  
عمر، که دیگر وجود ندارد.  
دیگر آن لحظه که نتیجه‌ی کنکور را دیدم،  
بهیاد ندارم! فقط می‌دانم نتیجه‌ی کنکور را  
دیدم. همین.

ولی یاد نمی‌رود.  
اولین برف زمستان اول دبستان،

اون فرد دیوانست یا نفع شخصی تو این موضوع  
داره" و من متعجب شده بودم که چطور همچین  
امری می‌تواند به این حد بدیهی و واضح باشد و  
حکم قطعی داشته باشد.

مشکل، فرمی هست که استاد، دانشجو، فعال  
فرهنگی، سینماگر و بعض‌ا مردم عادی رو در بر گرفته  
که یک مدل از پیش تعیین شده را انتخاب کند و  
در داخل اون قالب با خیال راحت زندگی کنند بدون  
دغدغه‌ای برای تصحیح و یا هرگونه تغییر. البته که  
خیلی‌ها خارج این قالب‌ها دانشجویی کردند، زندگی  
کردند و نتیجه‌های خوبی هم گرفتند.

امیدوارم شما هم سرمستانه از دوران دانشجویی  
نهایت استفاده رو ببرید و حاضر باشید مدام این  
۴ سال رو تکرار کنید. با جسارت همه‌ی ارزش‌ها و  
هنگارها رو معلق کنید و با شروع از ذهن خودتون  
از نو بسازید. هر تغییری که لازمه‌ه با جسارت در  
هر سطحی اعمال کنید. اگر تها یک گروه از افراد  
 قادر به انجام این تغییر باشند حتماً این گروه شما  
هستید.

خوب باشید.

## کودکی



طاهر احمدی

من بیشتر کودکیم را به خاطر نمی‌آورم.  
آن روز حوالی غروب را، که مادرم بعد از هزار خواهش  
و قمنا، وقتی مدت‌ها بود که می‌دیدم پدر و مادر  
همه‌ی هم‌بازی‌هایم برایشان خریده‌اند، چادر  
مشکیش را سرش کرد، مرا به بازار قدیم کبودراهنگ  
برد و برایم سه‌چرخه خرید و من قمام مسیر را به  
دنبالش با پاهای کوچکم پا زدم، به خاطر ندارم!

حتی آن زمانی که شوهرخاله‌ام از بالکن خانه‌شان  
هنگامی که بازی من و پسرخاله‌هایم را تماشا  
می‌کرد، پرسید: «دوچرخه سواری بلدی؟» و من  
گفتم: «آره» و دم لرزید و برای اولین بار دوچرخه  
را بدون کمکی سوار شدم و از سراشیبی کوچکه‌ی  
بنبست خونه خاله پایین رفتم و با شدت به در  
انتهای آن برخورد کردم و از درد بی‌صدا اشک ریختم  
تا شوهرخاله‌ام نفهمد که من دوچرخه‌سواری بلد  
نیستم! آن را هم بهیاد نمی‌آورم.

مهدی صدوqi



هر که شاخ را گرفت، شکست و فرو افتاد  
و هر که درخت را گرفت، همهی شاخ آن اوست.<sup>۱</sup>  
در راه به مانند هر روز و همیشه خسته و کلافه  
از کارهای روزمره به فکر آیندهای که همواره چون  
جنونی ناشناخته، از آن هنگام که خویشتن خویش را  
شناختم مرا درگیر خود کرده است.  
گویی انگار:

آنچه آموخته ام از حیرت خود  
زیستن با شک است  
شکی آغشته به ایمان

و سپس جستن ایمانی آغشته به شک.<sup>۲</sup>  
سبب به کدامین دلیل باید زیست؟ سبب به  
کدامین دلیل باید این گونه رنج کشید؟  
چه می خواهم از راز خلقت خویش که این گونه  
بی قرار در جستجوی دست آوردهای زندگی در  
تکاپویم؟ دست آوردهایی که هر کدامشان سراب ذهن  
جانی طماع مرا از حقیقت من دورتر می کند و با  
وجود برآورده شدنشان هر لحظه پی رنگ وجودی  
مرا کم رنگ تر از پیش جلوه می دهند؛ به راستی  
که این من از خود و دنیای پیرامون خود چه  
می خواهد؟

در جستجوی چه چیز باید بود تا سرانجام  
آرامش گرفت؟ مرا هیچ وقت امان ندادند که به  
خویش، به آن اندرون اوقات تنها بی، کمی بپردازم.  
 فرصت شناخت را از من گرفتند. و این در حالی است  
که خامی و کودکی تنها گناهان نابخشودنی من در  
این مسیر بودند. در خویش بارور شدن از خویش و  
در خاک خویش ریشه دواندن آرزوی حال اکون من  
است. بی وقفه و شتاب زده مرا به ورطه رقابت  
انداختند، روح مرا با زیباترین کلمات شلاق زند.  
گمراه بودم، گمراه هستم و شاید خواهم بود، ولی  
حالا که این چنین به مذمت خویش دست یازیده ام  
می خواهم که واقف شوم؛ می خواهم که شناخت،  
حقیقت زندگی من باشد.

حقیقتی که همواره با واقعیت زندگی من در جدال

وقتی مدرسه تعطیل نبود و کسی هم اعتراض  
نداشت، چون نمی دانست که برف مدرسه را  
تعطیل می کند!  
خانم حاتمی آمد.  
کمی نظم حاکم شد. کمی سکوت.  
کیفیش را گذاشت روی میز. ریاضی داشتیم.  
نشست. کمی به ما نگاه کرد، کمی به بیرون از  
پنجره.

خوب یادم است. با تک تک جزیات. حتی  
حالات چهره خانم معلم و احساسات هنگام  
بیان این جملات.

گفت: «امروز دلم نمیاد درس بدم ...، بیرون هم  
خطرناکه ...، بی سروصدا بازی کنید.»

ناگهان همه مه شد، نشد که بپرسم:  
و من هنوز پشت آن نیمکت نشسته ام و فکر  
می کنم: چرا؟

همهی معادلات این ذهن کوچک منطقی به یک باره  
از بنیاد فرو ریخت. با یک برف!

و تخیل قوت گرفت. شاید از گرمای محبتی، برفهای  
قلیم آب شد. شاید این منبع الهام چیزهایی بود که  
مغز نمی فهمید!

شاید اگر امروز بود می گفتم: او روی من تاثیر  
گذاشت.

و هیچ چیز مانند تاثیرگذاری نیست.  
روی خودت، آدم های اطرافت و دنیای اطرافت.

که بعدها شاید به تاثیری که گذاشتی، تفاوتی که  
ایجاد کردی، به یادت بیاورند.

شاید...

# ملا شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل! مراکز آموزشی از «ملاپروری» تا «آدمپروری»

محمد مهدی احمدیان

ما ایرانی‌ها بارها و بارها این مثل شیرین ولی تلخ را شنیده‌ایم که «ملا شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل!». به نظر شما مراکز آموزشی موجود در کشور ما بیشتر دغدغه «ملاپروری» دارند یا «آدم پروری»؟

بنده به شخصه به عنوان یکی از جوانان این کشور که بالغ بر ۲۰ سال از عمر خود را در مقاطع مختلف این نظام آموزشی سپری کرده است ضمن تشكر و سپاس از همه‌ی عزیزانی که در این مراکز با کمترین چشم‌داشتی تلاش می‌کنند و عمر خود را وقف تربیت نسل‌های آتی می‌کنند، بیشتر احساس کرده‌ام که دغدغه اصلی مراکز آموزشی تربیت انسان‌هایی باسواند و به اصلاح این مثل «ملا» است. تا تربیت انسان‌هایی فرهیخته<sup>۱</sup> و به اصطلاح «آدم». آیا تا به حال سعی کرده‌ایم در جامعه خود مراکز و سازمان‌هایی که مسئول تربیت این ملاها را که همان فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف هستند، به نحوی تغییر دهیم که ضمن تربیت فارغ‌التحصیلان با سواند، بتوانند انسان‌هایی فرهیخته نیز تربیت کنند؟ اگر تلاش‌هایی هم در این راستا انجام شده است چه میزان در راستای این هدف متعالی موفق بوده‌ایم؟ آیا اصلاً چنین دغدغه‌ای داشته‌ایم یا نه؟ قطعاً خود شما در مدارس مختلف درس خوانده‌اید و یا دوران دانشجویی را تجربه کرده‌اید و حتماً فارغ‌التحصیلان متعددی را دیده‌اید. به نظر شما مدارس و دانشگاه‌ها در باسواند شدن ما نقش بیشتری ایفا می‌کنند و یا در آدم شدن ما؟ زمانی که یکی از اعضای خانواده یا اقوام و آشنايان شما از یک دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود چه قدر احساس کرده‌اید این فرد باسواند، فرهیخته و اصطلاحاً آدم شده است؟ اگرچه میان یک ملای واقعی و یک فارغ‌التحصیل فاصله بسیار است - به تعبیری دیگر ملا شدن نیز کارساده‌ای نیست - اما در این نوشته

است. آری واقعیت زندگی فی‌الذاته بی‌رحم و خشن است. واقعیت زندگی همان است که حتی تصور داشتن رویا را در تو به سخه می‌گیرد-چه رسد به داشتن یک رویا- و تو را متقادع می‌کند که باید همچون سرباز فدایکار او شناخت وجودی خود را فدای قواعد بازی او کنی. و اگر مطابق نقشه‌ی از پیش ترسیم شده‌ی راه پیش نروی، گویی انگار یک بازنه‌ی از پیش شناخته شده‌ای.

ولی این بار این من، می‌خواهد که این گونه از درون فریاد گیرد و بخوشد:

حضرت نبرم به خواب آن مرداب  
کارام درون دشت شب خفته است.  
دریایم و نیست باکم از طوفان.

دریا، همه عمر، خوابش آشته است.<sup>۲</sup>

باری، شعر زندگی برای هر کس تفسیری دارد و من می‌خواهم تفسیر زندگی خویش را بی هیچ القای اجباری که از کودکی مرا بدان عادت داده‌اند، با قیام وجود تجربه کنم. بس است تحمل تحمیل سبک زندگی، بس است چارچوب معین و برنامه‌ریزی دستوری برای داشتن زندگی مطلوب، بس است محدود کردن تعریف خوشبختی و رضایت درونی به اندازه‌ی طول خطکش‌هایی پوسیده از مقیاس، بس است...

مطلوب روشن است و واضح، می‌خواهم زندگی کنم برای نفس زندگی نه برای هدف زندگی.

هدف وجود من است و باقی حاشیه ...  
شاید روزی توانستم این شعر را زندگی کنم:

بر موج‌ها گریز ستیزای فرصت است،  
و مرغکان چیره ماهی خوار،

۷۷ و

و

فراوان ۷،

در انتشار هندسی خویش،

بر موج‌ها هجوم می‌آیند.

و من طنین پویه و

پرواز و پنجه را،

بر سطح این هویت جاری،

در واجموج‌هایم،

تصویر می‌کنم.<sup>۳</sup>

۱ بر اساس فرهنگ معین فرهیخته در لغت به معنای ادب آموخته،  
دانش آموخته و دارای فرهنگ والا است. اما کاربرد آن در این نوشته به عنوان  
معادل آدم حقیقی یا انسان ادب آموخته در غالب ابعاد زندگی است.

۲ محمد رضا شفیعی کدکنی  
۳ محمد رضا شفیعی کدکنی

خود چون نقشه‌ی راهنمایی آویخت، به بندۀ حقیر آموختند که به جای حفظ کردن تفکرات این و آن اندکی تفکر کنم؛ و این نوشه، خوب یا بد، معتقدانه یا سازنده، پرنقص یا کم‌نقص حاصل تفکر جوانی است که اندک بزرگ اساتیدی به او رسم تفکر را یاد دادند و این‌که باید فکر کرد، باید نوشت و باید برای این مرز و بوم به اندازه وسع خود گامی برداشت.

به اعتقاد بندۀ یکی از معضلات کنوی جامعه‌ی آموزشی ما این است که عموماً یا دانشجویان و دانش‌آموزان چندان به دنبال علم و تحصیل نیستند و در معنای واقعی «دانش‌آموز» و «دانشجو» نیستند و یا این‌که اگر طالب این علم و تحصیل باشند، متأسفانه تنها در همین بعد درسی و یا تعدادی بعد اندک رشد می‌کنند که نمونه‌ی این‌گونه افراد به ویژه در دانشگاه‌های درجه یک کشور کم نیست. متأسفانه در جامعه‌ی این‌که در چندین بعد و یا اکثر ابعاد شخصیتی رشد می‌کنند و اصطلاحاً «فرهیخته» می‌شوند به نسبت انسان‌های تک بعدی با سواد اما غیرفرهیخته بسیار کمتر است. شاید به نظر برسد مسئله «فرهیخته‌پروری» صرفاً در مراکز آموزشی نمی‌تواند میسر شود و خود جامعه و خانواده‌ها هم تاثیرگذارند و یا این‌که یک انسان باید حداقل ۵-۴ دهه‌ای از عمرش را سپری کند تا بتواند خود را به فرهیختگی برساند؛ پس مراکز آموزشی که عموماً و نهایتاً تا سال‌های ۳۵-۳۰ سالگی با فرد درگیر هستند در این بازه سنی نمی‌توانند کاری انجام دهند؛ اما منطقی است که مراکز آموزشی یکی از تأثیرگذارترین ارکان در فرهیخته‌پروری‌اند (به زبان همان مثل معروف «آدم نمودن» انسان‌ها) نقشی اصلی نیز در تربیت پدر و مادرها و در نتیجه خانواده‌های نسل‌های بعدی دارند.

دانشجو یا دانش‌آموز روش‌ضمیری که به دنبال رشد صرفاً یک بعدی در حوزه‌ی درسی نیست، دوست دارد فضای آموزشی مطلوب خود را بیابد؛ فضایی که امکان رشد چند بعدی وی را فراهم کند. نه این‌که منجر به رشد صرفاً تک بعدی وی شود. این فرد تمايل دارد اساتید یا معلمان کامل یا نسبتاً کامل‌ی را پیدا کند و در کنار آموختن دروس آموزشی، در دیگر ابعاد زندگی نیز شاگرد این اساتید باشد. رفتار، گفتار، پندار و حتی سبک زندگی خود را با او همانند سازد چرا که هر بشری توجه به کمال

از تفاوت میان معنای حقيقی ملاً و فارغ‌التحصیل چشم‌پوشی می‌کنیم و صرفاً هدف خود را فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف تحصیلی قرار می‌دهیم. اگرچه می‌توان حتی کمی دقیق‌تر به واژه ملاً نظر کرد و عملکرد نظام آموزشی را در تربیت معلمین و اساتید فرهیخته نیز سنجید که البته این موضوع خارج از بحث این نوشه و بضاعت بندۀ حقیر است.

سالیان سال است که به خاطر دغدغه‌های شخصی خود در محیط‌های آموزشی و دانشگاهی که بهتر است دانش‌آموز و دانشجو را در همه ابعاد زندگی تربیت کنند به دنبال معلم، استاد یا اساتیدی بودم که ضمن آن‌که عاشقانه تلاش کرده و تلاش می‌کند، ضمن این‌که عالمانه درس می‌دهد، عارفانه در بعد انسانیت نیز روح مستمعینش را صیقل دهد. در زندگی خود این حقیر اگرچه معلمین و اساتید بزرگواری بودند که در هرکدام از معیارهای ذکر شده حرف‌هایی برای گفتن داشتند اما معلمان و اساتید قلیلی را در محیط‌های آموزشی اطراف خود یافته‌اند که این ویژگی‌ها را به یک جا در کنار خود داشته باشند و یا چنین دغدغه‌هایی برای تربیت نسل بعد از خود داشته باشند.

نتیجه گیری کلی نمی‌کنم اما این مسئله می‌تواند برای بندۀ متأثر از سه حالت باشد:

۱. حالت اول این‌که شاید در محدوده‌ی تحصیل من این‌گونه معلمین و یا اساتید کمتر بوده‌اند و بندۀ چنین موهبتی را در محیط خود کمتر داشته‌اند.

۲. حالت دوم این‌که معلمین و یا اساتید مرادگونه و فرهیخته‌ای در اطراف من بوده‌اند و بندۀ حقیر قدرت درک عظمت آن‌ها را نداشت. به قول معروف عظمت باید در نگاه من باشد نه در آن‌چه من به آن می‌نگرم.

۳. حالت سوم این‌که این‌گونه معلمین و یا اساتید فرهیخته‌ای در اطراف من بوده‌اند اما فرصت مناسب برای مریدی این حقیر فراهم نشده است.

به هر حال همین بزرگ‌اساتید قلیل که الحق‌والانصاف باید بر جای پای تلاش‌های آن‌ها بوسه زد و واژه واژه کلام گهربار<sup>۱</sup> آنها را بر دیوار ذهن

۱ بر اساس لغت نامه دهخدا ملا در واژه لقب استاد و معلم است خواه مرد باشد و یا زن.

۲ کلام‌های گهربار که استاد فرهیخته در لابه لای تدریس دروس آموزشی هنرمندانه و هوشمندانه برای تربیت شاگردانش و هرس شاخ و برگ اضافه و زدودن زنگار از وجود آنها بر زبان می‌آورد.

و یا حتی به نظام آموزشی قابل تأمل و بررسی است. ارادت یک دانشجو مریدگونه به اساتید فرهیخته (مراد) مانند کودک گریانی است که در طلب شیر مادر است. کودک گرسنه چون گریه کند ناخودآگاه شیر مادر به جوش می‌آید و او را ارتزاق می‌کند؛ چنین است حال دانشجوی حقیقی در قبال استاد فرهیخته که با اظهار ارادت خود توجه مراد را به خود جلب می‌کند تا با دانش، معارف، حقایق و شعور، نیاز او را که در جستجوی حقیقت و سبک زندگی مطلوب است تا حدودی مرتفع سازد. این جاست که پیر و استاد باید انسانی فرهیخته و کامل و یا تقریباً کامل باشد و بتواند ضمن این‌که در بیابان سرسرخ دنیا زنده بماند، راه و رسم این زنده ماندن را نیز به شاگردان خود بیاموزد. این جاست که هم استاد باید قلندری بداند و هم صد البته در مقیاس خود دانش آموز یا دانشجو. و چه زیبا حافظ شیرازی می‌فرماید:

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند  
نه هر که آینه سازد سکندری داند  
تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن  
که دوست خود روش بنده پروری داند  
غلام همت آن رند عافیت سوزم  
که در گداصفتی کیمیاگری داند  
هزار نکته باریکتر ز مو این جاست  
نه هر که سر بتراشد قلندری داند

مردمان بزرگ و فرهیخته زیادی در لایه‌لای صفحات تاریخ این مملکت درخشیدند و بی‌شک مردان و زنان زیادی با همت خود در حال ساختن آینده‌ای درخشان برای این سرزمین‌اند. امیدواریم کشور عزیzman به همت تلاش تک‌تک مردمان فرهیخته‌مان آباد و آبادتر گردد و این فرهیختگی در تار و پود وجود ما پررنگ‌تر و پررنگ‌تر گردد تا فرزندانی در این کشور تربیت شوند که بتوانند دانش و پیشرفت را اگر در ثریا هم باشد به تسخیر خود درآورند. سخن خود در این نوشته را با چند بیتی بسیار گران‌بها از سعدی شیرازی به پایان می‌برم، شاید که تلنگری باشد بر جان و دل ما.

تن آدمی شریف است بجان آدمیت  
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت  
اگر آدمی به چشمست و دهان و گوش و بینی  
چه میان نقش دیوار و میان آدمیت  
به حقیقت آدمی باش و گرنه مرغ باشد  
که همین سخن بگوید به زبان آدمیت

دارد و می‌خواهد استاد یا اساتیدی داشته باشد که او را به سوی کمال رهنمون کنند. این فرد در مسیر زندگی خود در جستجوی راه کمال به دنبال پیر و مرشدی است که از جان و دل او را به استادی بپذیرد و اگر چنین استادی پیدا شود در این مرحله است که مرید به مرادش ارادت می‌ورزد تا مورد توجه او قرار گیرد، البته اگر مراد نیز طالب شاگرد و مرید باشد. البته منظورم از رابطه مریدی و مردای در اینجا صرفاً رابطه میان یک شاگرد - انسان ناپخته (اما به دنبال الگو و راهنمای) - و یک استاد مجبوب - انسان متعالی - در ابعاد مختلف زندگی است که دغدغه‌ی این را دارد که علاوه بر ارتقاء شخصیت علمی شاگردانش بتواند سایر ابعاد شخصیت آنها را نیز رشد دهد و تأثیر مطلوبی روی سبک زندگی آنها بگذارد. خوب می‌دانیم زکات علم نظر آن است<sup>۱</sup> و این علم علاوه بره علم تخصصی استاد سایر علوم و معارفی را که وی در زندگی آموخته است و یا تجربه کرده است، نیز در برمی‌گیرد.

در برخی کشورهای پیشرفته تعبیری جالب برای استاد کامل یا پروفسور به کار می‌برند و آن این است که: «کسی بعد از اهتمام مقاطع تحصیلی به درجه استادی می‌رسد که ضمن این‌که در آن حوزه متخصص شده است، اگر وی را در وسط بیابانی تنها رها کنیم بتواند با دانشی که در زندگی اش کسب کرده است زنده بماند و زندگی کند». به اعتقاد بندۀ استادی که برای کسب مدارج بالای علمی و تحصیلی زحمت بسیار کشیده است، با چالش‌های فراوان زندگی دست‌وپنجه نرم کرده است و از بزرگ‌ترین موهبت انسانی که قدرت تفکر است بهره بسیار برده است دانشی بسیار فراتر از آنچه در یک یا چند کتاب درسی و چند مقاله بگنجد برای عرضه دارد؛ دانشی که می‌تواند به جوانان این مرز و بوم سبک تفکر و از آن مهم‌تر، سبک زندگی<sup>۲</sup> را ارائه کند.

با یک نگاه مثبت به دانشگاه‌ها، امروزه اساتید زیادی یافت می‌شوند که زکات علم تخصصی خود را به خوبی ادا می‌کنند اما کمتر شاهد آن هستیم که اساتید زکات علم زندگی خود را بدنهند و به شاگردان خود راه و رسم زندگی را نیز بیاموزند. حال این‌که این مسئله به اساتید برمی‌گردد و یا به دانشجویان

<sup>۱</sup> حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «زَكْوَهُ الْعِلْمِ نَسْرَهُ؛ زَكَاتُ عِلْمٍ نَشَرَهُ». میران الحکمة، ج ۸، ص ۳۹۵۸.

اگر این درنده خویی ز طبیعت بمیرد  
همه عمر زنده باشی به روان آدمیت  
رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند  
بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت  
طیران مرغ دیدی تو زپای بند شهوت  
به در آی تا ببینی طیران آدمیت  
نه بیان فضل کردم که نصیحت تو گفتم  
هم از آدمی شنیدیم بیان آدمیت

## چوب خط



یاسمن میرمحمدی

همین است که آدم را می‌ترساند. این که خودت میدانی در حدی نیستی که به یک سال کوچکتر از خودت بگویی باید چه کار کنند و چه کار نکنند، شاید هم بقیه زیادی دست بالا گرفته‌اند، نمی‌دانم! به هر حال کاری است که شده. یک سال طلایی این دوران گذشته و بقیه‌اش هم سریع‌تر خواهد گذشت. دوران خوبی بود، هرچند نمی‌خواهم دوباره تجربه‌اش کنم. زمان بهایی است که برای کسب تجربه می‌پردازیم و شخصاً دوست نداشته‌ام از این مسیر به عقب برگردم. طبعاً هر انسانی گذشته‌ای دارد که وقتی به آن نگاه می‌کند یک پک مختلف از احساسات متناقض می‌آید به ذهن‌ش (بسته‌ی احساسات یک کم حس غریب‌گی می‌دهد؟) و خب درس گرفتن از گذشته مهم‌تر از کلنگار رفتن با آن است.

ورود به یک برهه‌ی جدید از زندگی‌تان همواره هیجان‌انگیز خواهد بود. می‌توانم بگویم دانشگاه اولین تجربه‌تان از این دست است. و در مقایسه با بقیه‌شان شاید راحت‌تر. مهم‌تر از همه چیز کنترل هیجاناتتان است و مرکز کردن آن روی فعالیت‌های مفید و سازنده‌ای که حال خودتان را هم خوب کند. شاید حس کنید بعد از فشار مضاعف یک ساله‌ای که روی دوستان بوده، استحقاق استراحت دارید؛ یکی از بهترین چیزهایی که در دانشگاه یاد می‌گیرید همین است: متعادل سازی زندگی! زندگی را که چندین بعد و زاویه دارد. درس و تحصیلات، ورزش و فعالیت بدنی، معاشرت با اطرافیان، تفریحات سالم، پرداختن به علاقه‌های شخصیتان و .... می‌تواند جزو این ابعاد و زوایا باشد. مهم این است که میزان اهمیت آن‌ها را برای خودتان مشخص کنید و اوقات خود را بینشان تقسیم کنید.

ورود به دانشگاه می‌تواند بیش از چیزی که فکر می‌کنید تغییرات دهد. البته بستگی به خودتان دارد که به این تغییرات چه جهتی بدهید: مثبت، منفی یا خنثی؟

ترم اول ترم سختی است. احتمالاً مجبور می‌شوید هر روز صبح زود سر کلاس حاضر شوید (اتفاقی که انتظار نداشتید در دانشگاه هم تکرار شود!) یا از بعضی کلاس‌ها خوشتان نیاید و مجبور به تحمل چیزهایی باشید که انتخابشان نکرده‌اید. به اطرافتان حساس باشید ولی سخت نگیرید. هر چه قدر هم حس کنید با فضای غریب‌یه دانشگاه کنار نمی‌آید و تحمل شرایط برایتان سخت است، ولی دوران دانشجویی‌تان خواه ناخواه یکی از بهترین خاطراتتان

یاد است یکجا خواندم نویسنده‌ی بزرگ آمریکایی، «ای ال وف»، در یک مصاحبه گفته بود که یک روز باید برای مدرسه‌ی پسرش نامه می‌نوشته و تمام بعد از ظهر تلاش کرده، یک عامله کاغذ پاره کرده و آخرش نتوانسته از عهده‌ی نوشتن یک نامه‌ی ساده بربیاید؛ همسر گرامیشان هم با یک "اییششش" بلند نشسته پای بساط نامه‌نگاری و ترتیب کار را داده چون دیده از شوهر نویسنده(!) و جهانی‌اش آبی گرم نمی‌شود.

البته بند بسیار باید حد خودم را فراموش کرده باشم که خودم را با "دکتر وف" مقایسه کنم؛ با این حال لازم بود خاطرنشان کنم که وقتی گفتند برای ورودی‌های جدید این ترم دانشکده یک پند و نصیحتی بنویس، تقریباً به مدت دو روز، خود دکتر وف، اجدادش، و کتاب "رگتایم" ش جلوی چشم می‌قصیدند. قرار نبود مرثیه‌خوانی یا چاپلوسی باشد، نمی‌شد هم زیادی بتراویم‌شان. نمی‌باشد همه چیز را برایشان گفت، یک وقت خدایی نکرده در روحیه‌شان اثر بده می‌گذارد. ضمناً باید فرصت تجربه کردن را ازشان گرفت.

بناید هم خیلی خوش‌بینانه نوشت. هر چه باشد به سن قانونی رسیده‌اند و یونیسف هم دیگر عذرشان را از اتوبان کودکی خواسته و محترمانه از آن گوشه‌ها سوچشان داده به دنیای جدیدتر و بزرگ‌تر، به زندگی واقعی.

بسیار خوب. با این تفاسیر و محدودیت‌ها باید بشنینیم و قلم به دست بگیریم و دو خط پند و نصیحت برای بچه‌های معصوم مردم بنویسیم!

می گفتن کنکور رو که بدی حله، و لعن و ناسزا رو می کشید بهشون. شاید هم کار بکشه به داون ویت دانشگاه و...؛ در نتیجه احتمالاً می رید سراغ کارایی که ازتون دلچویی می کنن، مثل ارتباط برقرار کردن زیاد با خونواه، حشر و نشر تو فضای مجازی، خوابیدن، موسیقیدن، سریالیدن و...

انی وی این مرحله ایه که باید طی بشه و همون طور که عطارِ جان میفرمان که ما لعبتکاریم و فلک لعبت باز؛ پس چه شما به این رشته علاقه داشتید، چه برخلاف میل باطنی تون انتخابش کردید، حالا که فلک شما رو اینجا قرار داده، باید باهاش کنار بیاید و اگه ازون دسته آدمایی هستید که واسه درس خوندن شرایط خاصی لازم دارید و تا الان تو اتاق شخصی همراه با آجیل و آمیوه‌ی مورد علاقه تون درس رو سرو می کردید، احتمالاً از اینکه می تونید تو خوابگاه درس بخونید هم اذیت می شید. اما چون تو تاریخ پیش نیومده که شرایط خودشو به خاطر کسی تغییر بده، پس این شمایید که باید خودتونو تغییر بدهید و با شرایط کنار بیاید. قاعدهاً در کنار درس، پیگیری فعالیت‌هایی مثل فیلم، کتاب، موسیقی و فیلم‌یا اسکیل‌های دیگه‌ای که مورد علاقه تون هستن لازمه، تا از یک بعدی بودن خسته نشید. اما بر خلاف من سعی کنید متعادل‌شون کنید که روی بوم بمونید. به مرور ارتباطتون با هم رشته‌ای هاتون بیشتر میشه، تو کافه‌های اطراف دانشگاه جمع می شید و راجع به کوییسم در آثار پیکاسو، آینده‌ی پن‌دار فروید، توپولوژی، آناتومی، فوتیال و المپیک و محتواش(!) صحبت می کنید. تولد دوستاتونو سلبریت و پست می کنید. باری، دوستی‌های دانشگاهی تون پررنگ‌تر از دوستی‌های دبیرستان‌تون میشون که احتمالاً بعد از یه مدتی افتادن یه گوشه و زنگ می خورن. همون طور که خودتون بهتر از من می دونید این روزها آینده‌ی شغلی، اجتماعی و احتمالاً تاھلی تون رو می سازه، اما از اون جایی که این روزهای عزیز هم بالاخره گم میشه و میگذره، عین رفتن جان از بدن، بینی که جانت می رود و... و از اون طرف هم چون آنچه بگذشت نمی آید باز و این قصه‌ای است که دیگر، نتوان شد آغاز و فلان و اینا؛ پس بهتره که قدرشو بدونید تا واسه آینده‌تون حسرت ذخیره نکنید و وقتی در آینده‌ی نه چندان دور یا حتی فار فار ای‌ی به این دوره‌ی تکرار نشدنی فکر می کنید، فکرش زخمی‌تون نکنه و آه و افسوس تو سرتون قل نخوره. و به قول شاملو بگذارید شعر ما و تو باشد تصویر کار چهره‌ی پایان پذیرها.

خواهد بود. به دلیل همان تغییراتی که گفتم. یادتان باشد شما قرار نیست تا آخر عمر اینجا بمانید، چهار سال در مقابل بقیه‌ی سال‌های زندگی‌تان چیز زیادی نیست؛ دانشگاه صرفاً محیطی است شبیه‌سازی شده از جامعه‌ی اطرافتان. بهترین جایی است که می‌توانید تجربه‌های جدید کسب کنید که برای یک زندگی بهتر کمکتان کند.

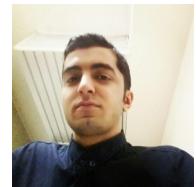
الان که برمی‌گردم و به چیزهایی که نوشته‌ام نگاه می‌کنم، به نظرم می‌رسد زیادی سخت‌گیرانه به قضیه نگاه کرده‌ام! در کل همه چیز را به دست رفوگر زمان بدھید، خودش روی روای روا می‌افتد. انتظار زیادی هم از دانشگاه نداشته باشید، شاید بعداً باعث شود احساس سرخوردگی کنید.

خب. این هم از این! اقرار می‌کنم تا قبل از نوشتن این طومار نصیحت و سوز و گداز(!) هیچ ایده‌ای در مورد اینکه چرا سیلولیا پلات بعد از نوشتن آن همه نامه سرش را توی اجاق گاز گذاشت، نداشت. فکر کنم الان می‌دانم.

نزدیک دو روز قبل از این که اراده کنم به نگارش این عرضه، به عذاب و عرق‌ریزی روحی دچار شدم.

می‌خندید؟ پس این گوی و این میدان.

## بوستان امیرکبیر!!!



سروش سرابندی

به بوستان امیرکبیر خوش اومدید، همین طور به دانشکده‌ی مهرپرور کامپیوترا؛ حالا چرا بوستان و چرا مهرپرور رو کم کم متوجه می‌شید (اگر نشدید هم مهم نیست). بعد از دوازده سال درس خوندن تو یه چهارچوب خاص می‌رسیم به دانشگاه و ترم یکش، و مسلمًا مثل هر تغییر دوران دیگه‌ای روزای اولش خیلی سخت می‌گذره (گاهی هم نه) و مشکلات همین جور خودنمایی می‌کنن. یه حالتیه مثل هوای تهرون، کلا همه آلودگیست این ایام، کافیه شما خوابگاهی باشین، تا ویروس دلتنگی هم تو هواش پخش بشه و این جا و استون بشه دمویی از جهنم، وضعیتی که فقط میشه تحملش کرد؛ نه حل! (کولونیالیته ست اوضاع) یکم که بگذره احتمالاً حافظه‌تون نهیبی می‌زنه به حرف اون عزیزایی که

# معرفی



## جادبه‌های این حوالی

عارف: تا الان کدوم دوره‌هارو بررسی کردین؟  
سینا: اولش یه جلسه در مورد فیلسفه‌های اولیه داشتیم. پارمنیدس و هراکلیتوس. اولین باری که فیلسفه‌ها به هستی اندیشیدن و سعی کردن ماهیت جهان دور و برشون رو توضیح بدن. یه جورایی یه مقدمه بود واسه این که بگیم اصن چرا فلسفه ورزی اهمیت داره. بعدش در مورد سقراط و افلاطون صحبت کردیم. فلسفه‌ی اسلامی و مسیحی و بعدم فیلسفه‌های عصر جدید. در مورد این که چه طور ذهن اروپایی متحول شد و نتیجش رسید به انقلاب فرانسه و در مورد خوشبینی‌ها و بدینی فیلسفه‌ها به زندگی مدرن بشر. چه مولفه‌هایی از این زندگی مطلوبه و چه بخش‌هایی خشن و بی‌رحم و غیرانسانی؟ ...

عارف: خب!!! بسه! تا شب ادامه میدی اگه چیزی نگم. گفتی سقراط، تئاتر سقراط‌و رفتی راستی؟

سینا: مگه میشه نرفته باشم! خیلی خوب بود، فرهاد آییش مخصوصا خیلی خوب بازی می‌کرد نقش سقراط.

عارف: خوبیش اینه که نزدیک دانشگاهم بود. دو قدم بود از دانشگاه.

سینا: آره. کلن تالار وحدت خیلی خوبه. تو این چند سال خیلی با بچه‌ها کنسرت رفینیم. یادمه که علی رهبری تازه اومنده بود ایران، سمفونی پنجم بتھوون رو زد. همه بعدش ۱۰ دقیقه یه بند دست زدن. یا اون بار که الکساندر رودین اومنده بود چلو کنستروی دوورژاکو اجرا کرد. همچ رو از حفظ زد.

عارف: البته خود سالن کنسرت‌شم خیلی تاثیر داره. از روی سالن کنسرت وین ساختنیش. دایره‌ایه و سه طبقه. این دو سه سال اخیر هم برنامه‌های خوبی داشته.

سینا: آره. کلن مجموعه‌ی خیلی خوبیه. تالار رودکی هم خیلی اجراهای خوبی داشت. گروه‌های سنتی و جز و موسیقی‌های مستقل‌تر و تلفیقی خیلی کنسرت میدارن اون‌جا.

عارف: روبه‌روی تالار وحدت، تالار فردوسیم هست که نمایش‌های عروسکی اجرا میشه. تالار حافظم با این که خیلی صندلیاش راحت نیست، ولی اجراهای به نسبت قابل توجهی داره.

سینا: بحث اجراهای قوی شد، تماشاخانه‌ی باران سر فلسطینم خیلی خوبه. سال قبل بهترین تماشاخانه‌ی تهران اعلام شد.

عارف: چه خبر از پویش فلسفه؟  
سینا: والا آخرین باری که برگزار شد، اواخر ترم قبل بود. در مورد فلسفه‌ی شوپنهاور بود. حالا تو که نمیای معمولا.

عارف: من که کلن میونه‌ی خوبی با فلسفه ندارم. لعنت

به نیچه و هر چی که هست!

سینا: مودب باش دوست عزیز!!! خب بیا بحث می‌کنیم در موردش دیگه.

عارف: سبک و سیاقش چه طوریه؟  
سینا: والا اولش می‌خواستیم صرفا بحث و تبادل نظر باشه. ولی دیگه خودت میدونی دیگه، هیچ دو نفری نیستن که بخوان بعد از یک بحث نیم ساعته حتی اندکی فکرشنون رو عوض کنن. این شد که هر دفعه در مورد یکی از ایده‌ها یا اندیشه‌های بنیادی یکی از فیلسفها بحث می‌کنیم. سیرمون هم تاریخی بوده.



عارف: فرهنگم خیلی خوبه. هم خیلی بزرگه، یادتم هست که اون بار رفتیم، میشه رو صندلیاش نشست، چند ساعت کتاب خوند و بحث کرد. اتفاقاً کتاب داراشم خیلی حرفه این. خیلی پیشنهادهای خوبی میدن. اونام می تونن راهنماییت کن.



سینا: آره، اکثر بچه هامون واسه هدیه‌ی تولدا میرن اینجا. من که کادو گرفتم بلد نیستم، خیلی خوب کادو میکنن. طرحای خیلی جالبی میزند.

عارف: یه مرکز تبادل کتابم هست تو همین خیابون مظفر، می‌تونی کتابایی که خوندی و نمیخوای رو با یه سری کتابی که نخوندی معاوضه کنی.

سینا: یه سریم به اون جا میزند. راستی هستی یه دونه فیلم تو این ماه اکران کنیم؟

عارف: اگه بشه یه دونه فیلم اکران کنیم تو دو سه هفته‌ی آتی. چون اکثر فیلمارو کانون فیلم دانشگاه اکران می‌کنه. ولی خب دانشکده یه چیز دیگست. خیلی بیشتر کیف میده.

سینا: آره کلن نباید خیلی به امید کانونای فرهنگی دانشگاه موند. تازه بهترینشون کانون فیلمه. بقیه که شاید تو یه سال یه برنام نداشته باشن! خیلی وقتی فیلم ندیدم!

عارف: من آخر هفته دارم میرم سینما. اگه میای بیا با هم بریم. به نظرم سینما استقلال خوبه. هم سالن‌ش بزرگه، هم پخش فیلمش باکیفیته. صفحه‌نایشش عریضه، از نظر صوتی هم خوبه! البته می‌تونیم فلسطین هم بریم. نزدیکم هست. سینا: سپیدم نزدیکه. تازه نصف قیمتم هست! دیگه معروفه بهش می‌گن سینمای دانشجوها! یادمیه یه زمان فقط واسه دانشجوها نصف قیمت بود. پنجاه قدم بالاترشم عصر جدیده! من که تا حالا نرفتم، ولی میشه یه سریم به اون جا زد. شنیدم با مزس! یکی از سینماهای قدیمیه شهره.

عارف: حالا خوبه قدیمیه اسمش عصر جدیده! باز



عارف: جدی؟ نمی دونستم! تئاتر مولوی هم هست که همیشه تخفیف دانشجویی داره، معمولاً هم اجراهای دانشجویی و تجربی اجرا میشه توش.

سینا: بخوایم در مورد تئاترا صحبت کنیم که چووم نمیشه. اینقدر که به پویش فلسفه تیکه میندازی خودتون تو پویش کتابخونی چی کار می‌کنید؟ البته من چند جلسه‌ی آخرش رو بودم. مسخ کافکا رو خوندیم و راجع بهش بحث کردیم.

عارف: آره. کلن سیستم پویش کتابخوانی این طوریه که اول با بچه‌ها جمع می‌شیم، یه لیست از کتاب‌ها در میاریم و بعد رای گیری می‌کنیم. کتابی که انتخاب شدرو حالا بسته به حجمی که داره توی یک یا چند جلسه‌ی خونیم و جلسه‌ی آخرش در مورد کتاب و نویسنده و نکات پیرامونش بحث می‌کنیم. تا اون جا که یادم میاد اولین کتابی هم که شروع به خوندنش کردیم، «من چراغها را خاموش می‌کنم» از زویا پیرزاد بود. بعدم رفتیم سراغ یک سری کتاب مثل «چشم‌هایش» بزرگ علوی و «سمفونی مردگان» عباس معروفی و یه سری داستان کوتاه.

سینا: من امروز می‌خوام برم چندتا کتاب بخرم. عارف: برو افق. فضاش خیلی خوبه. تنوع رمانا و نمایشنامه‌هاش خیلی بالاست نسبت به کتابای فلسفه و جامعه‌شناسی و این جور ... قفسه‌های سفید و بلندش، عکسای هزمندا و نویسنده‌ها که رو دیوارا زده شده ... تازه می‌تونی لیست تازه‌ها و پرفروش‌هاشم نگاه کنی که معمولاً کتابای خیلی خوبی هستن.

سینا: وقتی مولی اون سمته خیابونه چرا باید برم افق؟ بهترین طبقه‌بندی ممکن رو داره. شعرهای فارسی، شعرهای جهان، بخش عرفانش، رماناش که بر اساس ملیت و تاریخ مرتب شدند و مهمتر از همه قفسه‌های مربوط به فلسفش. انگاری خود فیلسوفاً اومدن چیدن. من یه بار که با یکی از بچه‌ها رفته بودم انقد محو این قفسه‌ها شدم حالش بد شد، من نفهمیدم. کلن تا یه چند مدت دیگه باهام حرف نمی‌زد.



عارف: یه موزه‌ی خیلی خوب دیگه هم این اطراف وجود داره به نام موزه‌ی جواهرات ملی. خیلی از جواهرات بالارزش ایران که اکثرًا متعلق به دوره‌ی پهلوی و افشار و قاجار هستن، در اون‌جا نگهداری می‌شن. خیلی جای باشکوه و دیدنی هست و بازدیدش زمان زیادی نمی‌گیره. نکته‌ی اصلی که نزدیک بود فراموش کنم هم این بود که الماس معروف دریای نور هم اون‌جاست.

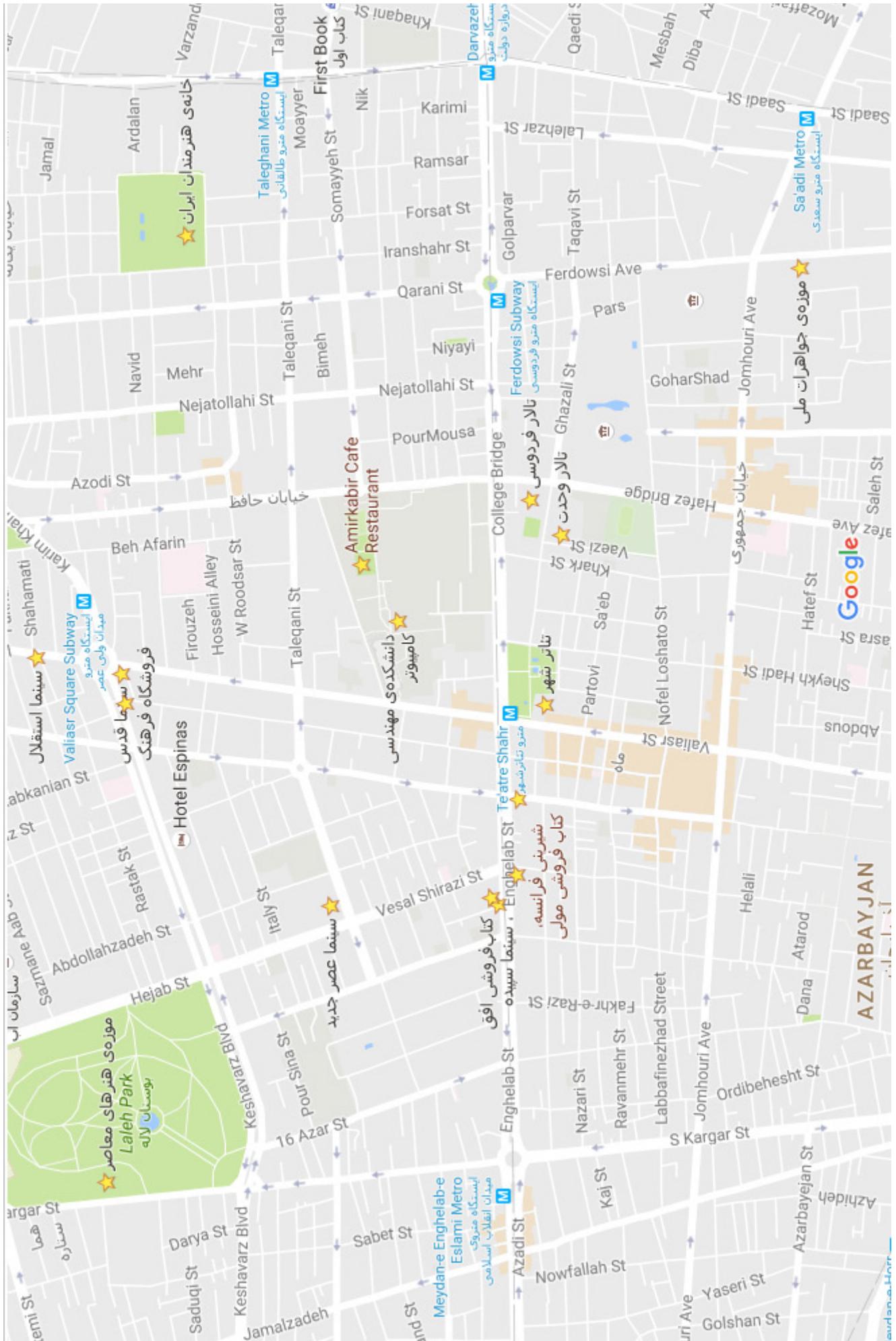
سینمایی که اسمش جدید باشه یه چیزی! این هنرای مدرن خیلی خنده‌دارن. خبرشو خوندی یکی عینکش افتاده تو یکی از این موزه‌ها بعد همه فک کردن این یه اثر هنریه! یه سری حتی عکسم گرفتن!!!



سینا: منم مث تو فک می‌کردم. یادم‌هه کلاس اول بودم رفتم موزه‌ی هنرهای معاصر. خیلی نقاشی‌ها و مجسمه‌هایش برام گنگ و نامفهوم بود! ولی نمی‌شه گفت هر اثر مدرنی لزوماً بی‌ارزشه. خیلی‌اشون مارو دعوت می‌کنن تا با فکر و دقت بیشتری اثر رو نگاه کنیم. یه جورایی چالش‌برانگیزترن. خود موزه‌ی هنرهای معاصر خیلی آثار خفنی داره. نقاشی «بر دروازه‌ی ابدیت» و نگوک، «مجسمه‌ی درمانگر» رنه ماگریت، مجسمه‌ی «ریتم در فضا» ماس بیل و نقاشی «مرد ارغوانی در حال پرش» اندی وارهول. این آخری ۷۰ میلیون دلار قیمت‌گذاری شده جدیدن. اون موقع اندی وارهول همین‌طوری مرامی کشید!!!



توى صفحه‌ی بعد اين مکان‌ها رو براتون روی نقشه مشخص کردیم تا راحت‌تر بتونین بهشون دسترسی پیدا کنین.



# معرفی آزمایشگاه‌ها و زمینه‌های تحقیقاتی



انجمن علمی دانشکده

واحدها عبارتند از:

- آزمایشگاه بینایی و هوش محاسباتی
- آزمایشگاه سیستم‌های هوشمند صوتی- گفتاری
- آزمایشگاه سیستم‌های هوشمند
- آزمایشگاه شناسایی الگو و پردازش تصاویر
- آزمایشگاه امنیت داده‌ها
- آزمایشگاه پردازش‌های نرم
- آزمایشگاه شبکه‌های کامپیوتري سرعت بالا
- آزمایشگاه تحقیق و توسعه سیستم‌های نرم افزار
- آزمایشگاه روش‌های نوین در معماری کامپیوترا
- آزمایشگاه FPGA
- آزمایشگاه پردازش موازی
- آزمایشگاه آموزش‌های مبتنی بر وب
- آزمایشگاه طراحی خودکار سیستم‌های دیجیتال
- آزمایشگاه شبکه‌های کامپیوتري پیشرفته
- آزمایشگاه شبکه‌های بی‌سیم
- آزمایشگاه تحقیق و توسعه سیستم‌های اطلاعاتی
- آزمایشگاه پایگاه داده‌ها
- آزمایشگاه فرمالیزم سیستم‌های امنیتی
- آزمایشگاه محاسبات زیستی
- آزمایشگاه طراحی سیستم‌های اتکاپذیر
- آزمایشگاه هوش مصنوعی پیشرفته
- آزمایشگاه الگوریتم و هندسه محاسباتی
- آزمایشگاه سیستم‌های کامپیوتري امن
- آزمایشگاه سیستم‌های مجازی و توسعه فناوری اطلاعات
- آزمایشگاه رباتیک و اتوماسیون صنعتی
- مرکز کامپیوترا و اینترنت کارشناسی
- مرکز کامپیوترا و اینترنت تحصیلات تکمیلی ACM
- مرکز آموزشی مسابقات برنامه نویسی
- مرکز تحقیقاتی- آموزشی رباتیک و روبوکاپ

مجموعه‌های آزمایشگاهی:

در جهت حمایت از دروس عملی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد، سه مجموعه آزمایشگاهی مجهر وظیفه ارائه سرویس‌های لازم در این مورد را به عهده دارند:

مجموعه آزمایشگاهی ۱:

- مدارهای الکتریکی
- الکترونیک دیجیتال
- مدارهای منطقی
- ریزپردازنده
- مدارهای الکترونیکی
- آز کامپیوترا

مجموعه آزمایشگاهی ۲:

- مدارات FPGA
- مدارات SoC
- طراحی‌های ASIC
- طراحی‌های VLSI
- سنتز سیستم‌های سخت افزاری

مجموعه آزمایشگاهی ۳:

- معماری کامپیوترا
- سیستم‌های عامل
- پایگاه داده‌ها
- شبکه‌های کامپیوترا

واحدهای مرکز تحقیقات اینفورماتیک و فناوری اطلاعات دانشکده:

در راستای رشد و توسعه فعالیتهای آموزشی و پژوهشی، مجموعاً ۱۸ آزمایشگاه و سایت مجهر کامپیوترا با حدود ۴۵۰ کامپیوترا پیشرفته و ۱۴ سرور مختلف راهاندازی شده است که تحت سرپرست اعضاء هیات علمی دانشکده، کلیه فعالیت‌های آموزشی- پژوهشی خود را سازماندهی می‌کنند. این

امکان تحقیق در زمینه‌های مربوط به سیگنال‌های بیوالکتریک، رadar، آنالیز ارتعاشات تجهیزات متحرک و مانند آن نیز فراهم می‌باشد. این آزمایشگاه مجهز به امکانات لازم برای دریافت، ضبط و پردازش سیگنال‌ها و نیز امکانات انجام پروژه‌های نرم افزاری و سخت افزاری مرتبط می‌باشد. نمونه‌هایی از فعالیت‌های تحقیقاتی انجام شده در این آزمایشگاه عبارتند از: بازشناسی اتوماتیک زبان‌های رایج در ایران، تصدیق هویت گوینده با استفاده از مدل مخفی مارکوف، شبکه‌های عصبی، ماشین بردار پشتیبان، مدل‌های مخلوط گوسی والگوریتم‌های ژنتیکی، تشخیص گفتاری شماره شناسایی شخصی، تعیین هویت گوینده روی شبکه‌های اینترنت و از طریق تلفن، طراحی و پیاده‌سازی سیستم تولید گفتار فارسی، تقطیع گفتار فارسی، عیب یابی موتورهای دوار به روش آنالیز ارتعاشات، شناسایی کلمات کلیدی در گفتار پیوسته فارسی، بازشناسی گفتار پیوسته فارسی، مدل‌سازی تغییرات زیر و بی، کشش و شدت گفتار، نشانه گذاری گفتار چندین گوینده در مدارک و مستندات گفتاری، پیاده‌سازی و بهبود عملکرد کد کننده‌های با نرخ بیت پایین و بسیار پایین، استفاده از فناوری پردازش گفتار در آموزش زبان خارجی به کمک کامپیوتر، تشخیص نفوذ در سیستم‌ها و شبکه‌های کامپیوتری، تشخیص هویت با استفاده از گفتار و مدل ماهیچه‌های مولد حرکات صورت، تشخیص محل کسره‌ی اضافه در متون فارسی جهت استفاده در تبدیل متن به گفتار، تحلیلی معنایی متون فارسی، ارزیابی کیفیت صوت در شبکه‌های مبتنی بر IP.

### آزمایشگاه سیستم‌های هوشمند (مسئول: دکتر عبداله زاده)

بخش عمده تحقیقات این آزمایشگاه، بر روی پژوهش‌های هوش مصنوعی و زمینه‌های مرتبط نرم افزاری متمرکز شده است و این مساله بستر مناسبی جهت کاربردی نمودن موضوعات به روز. هوش مصنوعی و نرم افزار را فراهم کرده است. مهم ترین موضوعات پژوهشی مورد توجه در این آزمایشگاه عبارتند از:

- سیستم‌های مبتنی بر عامل که به بررسی معماري عامل‌ها، انواع محیط‌ها، نحوه تعامل عامل‌ها با محیط در قالب همکاری، هماهنگی و مذاکره، سیستم‌های کاربردی مبتنی بر عامل، مهندسی نرم افزار سیستم‌های مبتنی بر عامل، متداول‌وزی‌ها، فرایندها و ابزارهای تولید سیستم‌های مبتنی

### آزمایشگاه بینایی و هوش محاسباتی (مسئول: دکتر صفابخش)

این آزمایشگاه با هدف اجرای پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه پردازش و آنالیز تصویر و ویدیو، ساخت تصویر، و هوش محاسباتی ایجاد گردیده است. پروژه‌ها عموماً در رابطه با روش‌های هوش محاسباتی مانند شبکه‌های عصبی، الگوریتم‌های ژنتیک، تکنیک‌های فازی و در قلمرو بینایی ماشین و پردازش تصویر می‌باشند. این آزمایشگاه مجهز به امکانات تصویربرداری، علمی و تحقیقاتی کافی در این زمینه است.

نمونه‌هایی از فعالیت‌های تحقیقاتی جاری آزمایشگاه عبارتند از: توسعه‌ی سیستم نشانه گذاری پنهان اسناد چندرسانه‌ای، توسعه سیستم شناسایی متون چاپی چند زبانه، تشخیص و شناسایی چهره انسان با وجود موانع، تشخیص، مدل‌سازی و تعقیب حرکات چشم انسان، تحلیل و سنتز تصویر چهره انسان مبنی بر مدل‌سازی طبیعی سه بعدی، مسیر یابی برای حرکت ربات‌ها با استفاده از شبکه‌های خودسازماند ۵د، تشخیص الفبای دستی گویای باغچه‌بان با استفاده از بینایی ماشین، نقشه‌های خودسازمانده فازی و کاربرد آن، شناسایی و سنجش اجزاء در تصاویر میکروسکوپی پزشکی، شناسایی متون دست نویس نستعلیق فارسی با مدل مخفی مارکف، تعیین و تائید هویت انسان با استفاده از الگوی عنیه‌ی چشم، تعیین و تائید هویت با استفاده از اثر انگشت، تشخیص صحت اضاء فارسی و آنالیز تصاویر سفالومتری جهت تصحیح ناهنجاری‌های فکی- صورتی.

### آزمایشگاه سیستم‌های هوشمند صوی- چند رسانه‌ای (مسئول: دکتر همایون پور)

این آزمایشگاه با هدف انجام فعالیت‌های تحقیقاتی در زمینه پردازش سیگنال‌های دیجیتال بالاخص سیگنال‌های گفتاری و پردازش زبان طبیعی تاسیس یافته است. نمونه‌هایی از موضوعات تحقیقات بینایی و کاربردی که در این آزمایشگاه در قالب پروژه‌های دانشجویان تحقیقات تکمیلی و نیز پروژه‌های صنعتی انجام می‌گردد عبارتند از: بازشناسی گفتار، بازشناسی گوینده، بازشناسی زبان، تبدیل متن به گفتار، کدینگ و فشرده سازی گفتار، اندیس گذاری سیگنال‌های صوتی، بهسازی گفتار، مقاوم سازی سیستم‌های بازشناسی نسبت به نویز، آموزش تلفظ و پرروزودی زبان خارجی به کمک کامپیوتر و پردازش زبان طبیعی می‌باشد. علاوه بر موارد فوق،

مدارهای منطقی، بازسازی تصاویر سه بعدی از تصاویر دو بعدی، ایجاد نقشه عمیق با استفاده از تصاویر استریو و رشته تصویر، تشخیص و آنالیز حرکت انسان، آنالیز کامپیوتری صننه های مسابقه فوتبال، تثبیت تصاویر ویدیویی، خوشه بندی نتایج موتورهای جستجو، طراحی صفحات وب تطبیقی، فشرده سازی داده های رقومی (تصویر و ویدیو)، تصاویر ویدیویی گرافیکی، تعیین هویت افراد از طریق امضاء و اثر انگشت، خوشه بندی ژن ها.

**آزمایشگاه امنیت داده ها (مسئول: دکتر صادقیان)**  
نقش این آزمایشگاه کمک به ارتقای تحقیقات و نوآوری در زمینه امنیت اطلاعات، کامپیوتر و ارتباطات و کمک به تربیت مهندسین و محققین در زمینه های وابسته به امنیت اطلاعات می باشد. در حالی که بیشترین دقت صرف طراحی و تجزیه الگوریتم های رمزنگاری، طراحی و تجزیه protocol های با امنیت بالا با استفاده عمومی، توسعه سخت افزار و نرم افزار جهت ارتباطات امن داده ها، پردازش و ارتباطات تصویری و طراحی و پیاده سازی سیستم های امن کامپیوتری مانند O.S Secure می گردد. کلیه ی جنبه های رمزنگاری و امنیت ارتباطات و کامپیوتر موضوعات مورد علاقه تحقیق در این آزمایشگاه می باشد.

**آزمایشگاه پردازش های نرم (مسئول: دکتر میبدی)**  
این آزمایشگاه با هدف اجرای پروژه های تحقیقاتی در زمینه پردازش های نرم با تأکید بر کاربرد شبکه های عصبی، اتماتان های یادگیر و الگوریتم های ژنتیکی برای حل مسایل مختلف ایجاد گردیده است. این آزمایشگاه بستر مناسبی را برای تحقیقاتی بنیادی کاربردی مربوط به پایان نامه های مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا فراهم می نماید.

**آزمایشگاه شبکه های کامپیوتری سرعت بالا (مسئول: دکتر خرسندی)**  
هدف این آزمایشگاه انجام تحقیقات در زمینه شبکه های کامپیوتری سرعت بالا به منظور انتقال انواع سرویس های دیجیتال است. امکانات این آزمایشگاه که تدریجاً تجهیز خواهد شد شامل امکانات کامپیوتری ظرفیت بالا مانند کامپیوترهای نوع Sparc و سرورهای NT و همچنین لوازم شبکه های محلی که عمدتاً شامل Hub، پل و سوئیچ های Ethernet و نیز سخت افزار Routing و انواع

بر عامل می پردازد.

• پایگاه های داده که موضوعات پژوهشی در این زمینه عمدتاً به بررسی جدیدترین دیدگاه ها در ارتباط با پایگاه های داده و مجموعه های داده ای می پردازد. کار با مجموعه های داده ای تحلیلی بسیار بزرگ در قالب پایگاه های داده تحلیلی و پردازش تحلیلی برخط، نحوه پاسخ گویی کارآمد به پرس و جوهای مطرح شده در این پایگاه های داده تحلیلی در قالب مکعب داده، زمینه لازم برای استخراج دانش از داده ها را فراهم می کند. پایگاه های داده تحلیلی، ورودی سیستم های مدیریتی و تحلیلی بسیار زیادی را تشکیل می دهند که از این میان، مواردی از قبیل داده کاوی و سیستم های تصمیم یار در این آزمایشگاه مورد مطالعه قرار می گیرند.

• پردازش زبان طبیعی به لحاظ اهمیت از اصلی ترین شاخه های هوش مصنوعی بوده که شامل مجموعه ای از فعالیت ها برای محاسباتی نمودن شناخت زبان طبیعی می باشد. در این راستا زمینه های مختلف کاربردی در پردازش زبان طبیعی بوجود آمده که عبارتند از ترجمه ماشینی، خلاصه سازی، خواندن و تفسیر متون، تولید متن و ... که در این آزمایشگاه پژوهه های متعددی بر روی موارد ذکر شده تعریف گردیده و منجر به تولید سیستم های کاربردی هم بر روی زبان فارسی و هم بر روی زبان انگلیسی گردیده است. برای اطلاعات بیشتر به وب سایت <http://ceit.aut.ac.ir/islab> مراجعه شود.

**آزمایشگاه شناسایی الگو و پردازش تصاویر (مسئول: دکتر رحمتی)**

این آزمایشگاه به منظور ارائه فعالیت های تحقیقاتی در قالب طرح های پژوهشی و پروژه های دانشجویی در مقطع تحصیلات تکمیلی ایجاد شده است. تحقیقات پژوهشی متنوع با کاربردهای صنعتی در زمینه های مختلف هوش مصنوعی شامل پردازش تصاویر رقومی ثابت و متحرک، فشرده سازی داده، شناسایی الگوهای بصری و زمانی، داده کاوی، پردازش سیگنال های رقومی یک و چند بعدی در داده های پیشکی و چندرسانه ای را می توان نام برد. این آزمایشگاه مجهز به کامپیوترهای شخصی، شبکه محلی، تجهیزات ضبط و پخش تصاویر چندرسانه ای، اسکنر و پرینتر می باشد. تعدادی از پروژه های انجام شده و در حال انجام در این آزمایشگاه عبارتند از:

شناസایی حروف دستنویس و چاپی فارسی، طبقه بندی رسوبات کلسيم در تصاویر ماموگرام، آنالیز مدارک متنی و گرافیکی شامل شناسایی علائم و خطوط و علائم در

- ۱- پروژه طراحی یک پردازنده VOIP چهار کاناله بر روی تراشه
- ۲- ارائه یک معماری جدید برای شبکه های بر روی تراشه مورد کاربرد در بزرگراه رسانه (MEDIA Gateway)
- ۳- مدیریت بافر در شبکه های بر روی یک تراشه
- ۴- طراحی و پیاده سازی لایه پیوند داده ها Home PNA
- ۵- طراحی و پیاده سازی لایه پیوند داده ها Ethernet in first Mile
- ۶- زمانبندی مجدد مدارهای آسنکرون

#### آزمایشگاه پردازش موازی (مسئول: دکتر اکبری)

امروزه به دلیل پیشرفت علم و تکنولوژی، تقاضا برای سرعت پردازش بیشتر و تسريع در عملیات کامپیوتري افزایش یافته است. ولی به دلیل محدود بودن سرعت تک پردازنده ها، تحقیقات و مطالعات زیادی روی کامپیوتراهای موازی انجام می شود که یک راه حل برای پاسخ گویی منطقی به این تقاضاهایی باشد. به این دلیل با داشتن آزمایشگاه یا مکانی برای مطالعات در این زمینه می توان علاوه بر فراهم آوردن امکان تجربه عملی مباحثت ارائه شده در دروس تئوری مربوط به پردازش موازی و الگوریتم های موازی، زمینه ای تحقیق و توسعه برای تسريع عملیات موجود به کمک موازی کردن الگوریتم های سریال یا بهینه کردن الگوریتم های موازی موجود را فراهم نمود.

اخيراً مباحثتی در پردازش سریع داده ها مطرح شده است که ایجاب می کند با یک سرمایه گذاری اصولی راه کارهای مطرح شده برای آن ها را بررسی و مورد تفحص قرار داد. این مباحثت نه تنها در علم کامپیوت، بلکه در تمام علوم که احتیاج به ابزارهایی برای کاهش زمان پردازش دارند می تواند وجود داشته باشد.

در زیر چند نمونه از کارهایی که می توان با استفاده از پردازش موازی انجام داد ذکر شده است:

- ۱- محاسبات با سرعت زیاد
- ۲- سرویس دهنده های حجمی اطلاعات و شبکه
- ۳- سرویس دهنده های وب با کارایی بالا
- ۴- شبیه سازی های حجمی مثل شبیه سازی پرواز، شبیه سازی پیش بینی آب و هوای سه بعدی
- ۵- سرویس دهنده های دانشگاه های مجازی

نرم افزارهای مختلف مربوط به پروتکل های شبکه، شبیه سازی کامپیوتري و تولید ترافیک می باشد. عناوین تحقیقات در این آزمایشگاه شامل موضوعات مختلفی است از جمله آنالیز ترافیک اینترنت، مطالعه کارآیی و طراحی شبکه، مدیریت شبکه و ساختمان توزیعی سرورها.

#### آزمایشگاه تحقیق و توسعه سیستم های نرم افزار (مسئول: دکتر رزازی)

این آزمایشگاه ابزاری لازم جهت تحقیقات در زمینه مهندسی نرم افزار در اختیار قرار می دهد. صنعت نرم افزار در ایران از آخرین پیشرفت های به دست آمده در توسعه نرم افزار به دور بوده و دچار مسائل مختلفی از جمله هزینه و زمان بیش از آنچه پیش بینی شده است و محصولات نادرست می باشد. در کمک به حل این مشکلات تحقیقاتی در جهت تشخیص و تغییر روش ها و ابزاری که در جهان به کار می رود و مناسب شرایط ایران است ضروری می نماید. این تحقیقات دوره ای زندگی نرم افزار از تشخیص نیازها تا تست و نگهداری را در برگرفته و آزمایشگاه می تواند تحقیقات مناسبی را برای آن فراهم سازد.

#### آزمایشگاه روش های نوین در معماری کامپیوت (مسئول: دکتر پدرام)

آزمایشگاهی برای به کارگیری روش های نوین در طراحی و پیاده سازی موارد مختلف معماری کامپیوت می باشد، در این آزمایشگاه به روش های طراحی و سنتز و ابزارهای لازم توجه می شود. از جمله روش های نوین مورد توجه، روش طراحی آسنکرون است که به دلیل وجود پتانسیل ارائه کارایی بالا، کار فراوانی بر روی آن انجام می گیرد. همچنین تلفیق روش های سنکرون و آسنکرون نیز مورد توجه می باشد. در زمرة موارد مهم در معماری کامپیوت نوین شبکه بر روی تراشه (NOC) است که رویکردهای متنوع به این موضوع در این آزمایشگاه بررسی می گردد.

#### آزمایشگاه FPGA (مسئول: دکتر صدیقی)

آزمایشگاه FPGA پروژه های مختلفی در زمینه معماری سیستم های دیجیتال، طراحی پردازنده های خاص منظوره و بهینه سازی آن ها، تپولوژی های شبکه بر روی تراشه (NOC) و تکنولوژی VOIP انجام می گیرد. در ادامه به عناوین هر یک از پروژه های فوق الذکر اشاره می گردد:

محاسبات فرآگیر در هر زمان و در هر مکان سازماندهی می‌شوند. در حال حاضر تمرکز پژوهش‌های این آزمایشگاه در زمینه‌های شبکه‌های موردنی، شبکه‌های حسگر و شبکه‌های توری بی‌سیم می‌باشد. این آزمایشگاه مجهز به تجهیزات کامپیوتری و نرم افزاری لازم برای آزمایش روی شبکه‌های بی‌سیم می‌باشد.

### آزمایشگاه تحقیق و توسعه سیستم‌های اطلاعاتی (مسئول: دکتر اکبری)

در حال حاضر، بکارگیری سیستم‌های مکانیزه در محیط‌های قابل توسعه امری اجتناب ناپذیر گشته و انجام مکانیزاسیون‌های اداری و اتوماسیون‌های صنعتی تنها در توان متخصصان این امر می‌باشد. در این راستا، چه بهتر که از مراکز علمی- پژوهشی موجود بهره برداری بیشتری به عمل آمده و محیط‌های علمی- پژوهشی با گسترش چهارچوب‌های مدرن توسعه اطلاع رسانی و استانداردهای توسعه انفورماتیکی نقش خوبیش را در گسترش تکنولوژی اطلاعات "IT" ایفا نمایند. هدف از تاسیس تحقیق و توسعه سیستم‌های اطلاعاتی انجام پژوهش‌های انفورماتیکی کشور در مقوله‌های ذیل می‌باشد: Total Solution، Oracle-based IT Projects، نظارت بر فضاهای مختلف کارخانه‌ها (Monitoring)، ایجاد بانک‌های اطلاعاتی امن، ایجاد بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی، تحلیل و طراحی سیستم‌های اداری و صنعتی، مهندسی معکوس سیستم‌ها در راستای توسعه سیستم.

در این آزمایشگاه با استفاده از امکانات چند رسانه‌ای و شبکه‌ی مسائل مختلف مربوط به آموزش‌های مبتنی بر وب مطالعه و بررسی می‌گردد. به علاوه پژوهش‌هایی در رابطه با آموزش مجازی و تجارت الکترونیکی در حال انجام می‌باشد.

### آزمایشگاه پایگاه داده‌ها (مسئول: مهندس حسینی نژاد)

این آزمایشگاه علاوه بر آنکه برای امر آموزش دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی رشته کامپیوتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، بستر مناسبی برای انجام پژوهش‌های تحقیقاتی به ویژه در امر سیستم‌های یکپارچه، پایگاه‌های داده، Data Warehouse و E-Commerce و بسیاری از کاربردهای دیگر می‌باشد. مراحل تحلیل، طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های

### آزمایشگاه آموزش‌های مبتنی بر وب (مسئول: دکتر اکبری)

در این آزمایشگاه با استفاده از امکانات چند رسانه‌ای و شبکه مسائل مختلف مربوط به آموزش‌های مبتنی بر وب مطالعه و بررسی می‌گردد. به علاوه پژوهش‌هایی در رابطه با آموزش مجازی و تجارت الکترونیکی در حال انجام می‌باشد.

### آزمایشگاه طراحی خودکار سیستم‌های دیجیتال (مسئول: دکتر صاحب‌الزمانی)

در این آزمایشگاه دانشجویان با ابزارهای طراحی سیستم‌های دیجیتال (اعم از سیستم‌های ASIC و تراشه‌های برنامه پذیر مانند FPGA) آشنا می‌شوند. هدف این آزمایشگاه آشنایی با نحوه توسعه‌ی الگوریتم‌ها و ابزارهای طراحی مدارهای دیجیتال است. در این آزمایشگاه یک ابزار طراحی خودکار (سنتز Layout) تولید شده و در حال تکمیل است.

### آزمایشگاه تحقیقاتی شبکه‌های کامپیوتری پیشرفته (مسئول: دکتر صبایی)

آزمایشگاه تحقیقاتی شبکه‌های کامپیوتری پیشرفته در دانشکده مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات در زمینه‌ی تحقیقات مرتبط با مسائل فنی پیشرفته مطرح در شبکه‌های کامپیوتری و اینترنت فعالیت دارد. این مسائل شامل مباحث طراحی و ارزیابی معماری و پروتکل‌های شبکه برای شبکه‌های نسل آینده می‌باشد. تحقیقات جاری در حال حاضر متمرکز برای روی مسائل مرتبط با شبکه‌های بی‌سیم Sensor و شبکه‌های Ad-hoc، سیار شامل شبکه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و مباحث تامین مدیریت ترافیک و کیفیت سرویس در اینترنت می‌باشد. این مسائل عبارتند از: مباحث مسیریابی، امنیتی و سرویس‌های موقعیت‌یابی در شبکه‌های بی‌سیم سیار بدون زیرساخت و همچنین مباحث مسیریابی مبتنی بر کیفیت سرویس و تنظیم سیاست‌های امنیتی در شبکه‌های کامپیوتری و اینترنت.

### آزمایشگاه شبکه‌های بی‌سیم (مسئول: دکتر دهقان)

حوزه اصلی کار این آزمایشگاه، پژوهش در زمینه‌ی طراحی معماری، الگوریتم‌ها و پروتکل‌های شبکه‌های نوین بی‌سیم و ارزیابی آن‌ها به کمک مدل سازی عددی و تئوری و شبیه‌سازی کامپیوتری می‌باشد. این پژوهش‌ها در راستای رسیدن به هدف رویای

کامپیوتري ببررسی و ارتقا می یابد. لذا دانشجویان با تحقیقات در این زمینه، توانایی و قابلیت ارایه و بکارگیری این شیوه ها را در طراحی های سیستم های اتکاپذیر کسب می کنند.

#### آزمایشگاه هوش مصنوعی پیشرفته (مسئول: دکتر محمد رضا مطش بروجردی)

زمینه‌ی تلاش‌های ما جدیدترین زیر قلمروهای هوش مصنوعی هستند که این روزها پژوهش‌های بسیاری در آنها انجام می‌پذیرند. این قلمروها فناوری‌های حاصل آمده از هوش مصنوعی و سایر زمینه‌های مهندسی را مورد استفاده قرار می‌دهند تا مسائل جدید فرا روی بشر در جامعه‌ی نوین اطلاعاتی را تسهیل کنند. وب مفهومی (Semantic Web)، داده کاوی، عامل‌های هوشمند و کشف دانش

نمونه‌هایی چند از این زمینه‌ها هستند.

نمونه‌هایی از فعالیت‌های تحقیقاتی این آزمایشگاه در عناوین پژوهه‌های اخیر زیر مشاهده می‌شوند: کشف قوانین انجمنی فازی از داده‌های سری‌های زمانی، مهندسی نیازهای امنیتی نرم افزار، تحلیل نحوی مبتنی بر همسان‌سازی به کمک گرامر پیوندی، ساخت خودکار هستا شناسی و مدل‌سازی اطمینان در وب.

#### آزمایشگاه الگوریتم و هندسه محاسباتی (مسئول: دکتر باقری)

هندسه محاسباتی علمی است که محققین آن، مسایل کاربردی حوزه‌های مختلف را به صورت هندسی مدل کرده و برای حل آن‌ها الگوریتم طراحی می‌کنند. این آزمایشگاه به منظور اجرای پژوهه‌های تحقیقاتی در زمینه کاربردهای مختلف هندسه محاسباتی و طراحی الگوریتم‌های نو و کارا برای مسایل کاربردی مطرح در حوزه‌های مختلف علوم و مهندسی ایجاد شده است.

#### آزمایشگاه سیستم‌های کامپیوتري امن (مسئول: دکتر شجری)

به علت پیشرفت‌های تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات و بعلت ویژگی توزیع شده این تکنولوژی‌ها، تضمین امنیت سیستم‌ها و مدیریت امنیت اطلاعات روز به روز مهم تر و در عین حال دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود. این آزمایشگاه با هدف انجام پژوهه‌های تحقیقاتی در زمینه طراحی، ساخت و ارزیابی سیستم‌های امن

مبتنی بر پایگاه داده که شامل استفاده از Forms، Reports، RDBMS، Object DB و ... می‌باشد، به صورت کامل بررسی و تجزیه می‌شوند.

#### آزمایشگاه فرمالیزم سیستم‌های امنیتی (مسئول: دکتر سلیمان فلاح)

این آزمایشگاه با هدف اجرای پژوهه‌های تحقیقاتی در زمینه درستی نمایی سیستم‌های امنیتی ایجاد شده است. استفاده از تکنیک‌های صوری در اثبات درستی سیستم‌ها موضوع اصلی فعالیت‌های این آزمایشگاه است. بی‌شک، سیستم‌های مهندسی و به خصوص سیستم‌های امنیتی هنگامی به طور جدی مورد استفاده قرار خواهند گرفت که درستی عملکرد آن‌ها به اثبات رسیده باشد.

#### آزمایشگاه محاسبات زیستی (مسئول: دکتر عبادزاده)

این آزمایشگاه با هدف انجام فعالیت‌های تحقیقاتی در زمینه محاسبات زیستی و سیستم‌های فازی جهت کاربردهای هوش مصنوعی تاسیس یافته است. نمونه‌هایی از موضوعات مورد علاقه در این خصوص، سیستمهای اینی مصنوعی، الگوریتم‌های تکاملی، شبکه‌های عصبی طبیعی و مصنوعی، حیات مصنوعی، پردازش تصاویر پیشکی، ربات‌ها با ماهیچه‌های مصنوعی، پردازش‌های درون سلولی (غشاء، DNA، ...)، الگوریتم‌های حرکت جمعی پرندگان، الگوریتم‌های مورچه‌ها، سیستم‌های هوشمند فازی، سیستم‌های خبره فازی، استخراج دانش از داده، یادگیری و هوش ماشین.

#### آزمایشگاه طراحی سیستم‌های اتکاپذیر (مسئول: دکتر زرندی)

در این آزمایشگاه تحقیقات و پژوهه‌هایی در زمینه‌های: ۱) روش‌های ارزیابی اتکاپذیری در سیستم‌ها و شبکه‌های کامپیوتري، ۲) ارزیابی مکانیزم‌های افزایش تحمل پذیری اشکال در آن‌ها و در نهایت ۳) روش‌های تحلیلی، تحریبی و آزمایشگاهی برای استخراج پارامترهای مهم اتکاپذیری همچون قابلیت اطمینان، دسترس پذیری و کارآیی انجام می‌گردد. در این راستا تحمل پذیری اشکال در سیستم‌های آسیب‌پذیر همچون معماری پردازنده‌های کامپیوتري، معماری میکروکنترلرها، سیستم‌های شده، حسگرها، عملگرها، سیستم‌های با قابلیت پیکربندی مجدد همچون FPGA، SoC، NoC، شبکه‌های ارتباطی

دیگر مکتوب کردن قرارداد باعث ثبات آن می‌شود و از تغییر و تفسیر یک‌طرفه‌ی قرارداد به نفع هر یک از طرفین جلوگیری می‌کند. ثابتی که نبود آن منجر به آشتفتگی می‌شود و شرایطی ایجاد می‌کند که در آن به اصلاح «سنگ روی سنگ بند نمی‌شود». همه‌ی ما در زمان ثبت‌نام در دانشگاه اسناد و مدارک مختلفی را امضا کرده‌ایم، این اسناد به نوعی یک قرارداد بین ما و دانشگاه است. در این اسناد ما با پذیرفتن آیین‌نامه‌های مختلف آموزشی و اخلاقی موجود متعهد می‌شویم که به ازای خدمات رایگان آموزشی و رفاهی که در طول سنت تحصیلی به ما داده می‌شود، بعد از اتمام دوره‌ی تحصیل مدتی بین یک تا دو برابر مدت آن در ایران خدمت کنیم در غیر این صورت (مثلاً برای تحصیل در خارج از کشور) می‌بایست مبلغی در حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون به عنوان مخارج تحصیلمان در این مدت، به دانشگاه پرداخت کنیم.

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این خدمات آموزشی رایگان حق همه‌ی مردم است، ولی اخیراً قوانینی دوپهلو در تاریخ ۱۶/۱۲/۱۳۹۳ توسط شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی تصویب شده است که ضمن کاهش سنت تحصیل کارشناسی به ۸ ترم، دارای یک بند مبهم است که می‌گوید این کاهش طول سنت «برای دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ و پس از آن و نیز تمامی دانشجویانی که در زمان ابلاغ این آیین‌نامه، شاغل به تحصیل هستند، به شرطی که خللی در تحصیل ایشان ایجاد نکند، لازم الاجرا است». این بند مبهم تبدیل شده به مفسداتی که از آن برای تصمیم‌گیری سلیقه‌ای درباره‌ی دانشجویان در حال تحصیل استفاده می‌شود و دانشگاه امیرکبیر با استفاده از آن خود را مجاز به اخذ هزینه‌ی تحصیل و هزینه‌ی دوباره‌ی خوابگاه و سلف از دانشجویان سال پنجمی دانسته است.

در کنار تضاد این آیین‌نامه با روح قانون اساسی مبنی بر حق مردم برای تحصیل رایگان، بند مبهم ذکر شده در واقع یک تغییر یک‌طرفه‌ی آشکار در قراردادی است که میان ورودی‌های سال ۹۳ و ماقبل آن با دانشگاه وجود دارد، قراردادی که سنت مجاز برای تحصیل را ۵ سال تعیین کرده است.

این تغییر عین هرج و مرج است، و با زبان بی‌زبانی می‌گوید: «حوالست باشد به هیچ چیز اعتماد نکن هیچ چیز قرار نیست سر جای خودش باشد یک وقت حتی زمین زیر پایت را هم خالی می‌کنند».

و قابل اعتماد، سیستم‌های تشخیص نفوذ، سیستم‌های توزیع شده امن، سیستم‌های مدیریت امنیت اطلاعات، امنیت شبکه، امنیت تجارت الکترونیک و سیستم‌های پرداخت الکترونیک تاسیس شده است.

**آزمایشگاه سیستم‌های هوشمند بلاذرنگ (مسئول: دکتر نور حسینی)**

این آزمایشگاه با هدف اجرای پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه‌ی ساخت و طراحی سیستم‌های بلاذرنگ ایجاد شده است. در این آزمایشگاه خصوصیات نرم افزاری و سخت افزاری سیستم‌های بلاذرنگ به لحاظ محدودیت‌های زمانی مورد بررسی و تست قرار گرفته و راهکارهای مبتنی بر هوش مصنوعی و الگوریتمهای مبتنی بر پردازش موازی جهت کاهش زمان پاسخ و نیز مرجع کردن فرآیندهای حساس به زمان و مدیریت منابع محاسباتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

## یک مسئله‌ی صنفی

کاهش سنت، تغییر یک جانبه‌ی یک قرارداد



فرزان رواقی نوبخت

یکی از فعالیت‌هایی که شاید هر دانشجویی خصوصاً دانشجویان رشته‌ی کامپیوتر آن را تجربه کند، انجام پروژه‌های کاری است، که ضمن آشنایی با فضای کسب و کار ایران، شامل تجربه‌ی تعامل با یک شرکت یا سازمان دیگر است که طرف مقابل شما می‌باشد. شما طی پروژه باید بعد از بررسی اولیه‌ی نیازمندی‌ها، یک قرارداد با طرف مقابلتان بنویسید و در آن، ابعاد مختلف کار را مثل هزینه‌ی مالی و زمان و همچنین جزئیات محصول نهایی را مشخص کنید.

فلسفه‌ی بستن قرارداد، مکتوب کردن انتظارات دو طرف از یکدیگر است تا در صورت قصور هر یک از دو طرف، دیگری بتواند حقوق خودش را مطالبه کند و از پایمال شدن آن‌ها جلوگیری کند. به عبارت

اگر ما از بهترین دانشجوهای ایران هستیم می‌بایست به وظیفه‌ی خود عمل کنیم و در کمال آرامش با اتحاد در کنار یکدیگر حول شورای صنفی دانشگاه، حقوق صنفی خود را در برابر این آشфтگی و بی‌قانونی مطالبه کنیم. آشфтگی که خود می‌تواند مبدأ مشکلات بیشتری شود.

حرف بزنم. ما چگونه به ما تبدیل می‌شود و به طور مشخص شامل چه افرادیست؟ گروهی از بچه‌های این دانشکده، تحت تاثیر به قول خودشان «بزرگ‌تر» هایشان دچار طرز فکری هستند که به مخالفان خود با دیدگاهی از بالا به پایین نگاه کرده و از آن بدتر، وجودشان را انکار می‌کنند. در واقع در تفکرشان تنها خودشان دارای شأن و منزلت هستند. شورای صنفی و انجمن علمی نهادهایی اجرایی و در خدمت دانشجویان و فاقد قدرت شخصی برای اعضای خود هستند؛ اما در عمل دارای امکانات، قدرت تصمیم‌گیری، رسانه‌هایی مانند مجله، بیانیه و... هستند که همگی این موارد باید در راستای خدمت به دانشجو مورد استفاده قرار گیرد. عده‌ی زیادی از دانشجویان چند سال گذشته که گمان می‌کنم روزهای بسیار خوبی را با شوراهای همان چند سال گذرا نداشتند، فکر می‌کنند انتخاب گروه امسال، تنها یک اتفاق بوده است؛ در حالی که باید گفت گذشته‌ی درست و کارنامه‌ی پر افتخار تضمینی برای نسل آینده‌ی یک گروه نیست، بلکه خود تله ایست تا افتخار جای خود را به اشتباه و شکستگی بدهد. انکسار و ایجاد چندگانگی و از بین رفتن هم‌بستگی، همگی از نتایج «خود را نسنجیدن» است. دانشکده‌ی ما شامل طیف گسترده‌ای از افراد با افکار متفاوت است. به خوبی یاد دارم که در نتیجه‌ی اشتباهات گروه‌هایی مثل شورای صنفی، چگونه اکثریت دانشجویان یک ورودی، از فضای دانشکده کنار گذاشته شده بودند. یا چطور گروه بزرگی از دوست‌های ما که مذهبی‌تر بوده و به بسیج علاوه‌مندند، از محبت ما محروم می‌مانندند. اگر معتقد‌هستید که مخالفان ما در جامعه باید با ما درست رفتار کنند، چرا خودتان وقتی در اکثریت بودید چنین نکردید؟ بچه‌های شورای امسال با اکثریت قاطع آرا پا به شورای صنفی گذاشته و این فرصت خوبی بود برای کوچک و بزرگمان تا فکر کنیم و بفهمیم کجا را اشتباه رفتیم. پس از پیروزی ما در انتخابات شورای صنفی، گروهی، از ما به علت انتخاب شدمان به وسیله‌ی اکثریت دانشجوها رنجید و متاسفانه روابط رو به سردی رفت. اتهام‌های وارد به شورای امسال از زمان کاندید شدن اعضاً بسیار بود و این اتهام‌های پیش از موعد نیز حاکی از همان تفکر غلط بود. اما این جا محل پاسخ‌گویی نیست. من فقط می‌خواهم بگویم همان طور که شما وجود دارید و برای خودتان ارزشمندید، ما بچه‌های شورای امسال هم وجود داریم و این را آرای ما

## دل نوشه

### حوالی برگزاری جشن ورودی ۹۵

سینا مهدی پور



به اواخر دوره‌ی فعالیت این گروه از بچه‌های شورای صنفی می‌رسیم، و همین جشن ورودی و حواشی نشات گرفته از هم‌کاری فانوس با شورای صنفی، مرا وادار کرد تا این بار به طور مستقیم پیرو مسائل مربوط به شورای صنفی بنویسم. دو سال پیش وقتی وارد دانشکده شدم، بیشتر از همه از حرف‌ها و طرز فکر بچه‌های شورای صنفی و انجمن علمی آن سال خوش آمد. بچه‌هایی که از دفاع از حقوق دانشجویان، نیاز به شادی و هم‌دلی بین ما، آزادی و رفاه و هرچه بیشتر آرمانی شدن فضای دانشگاهی حرف می‌زند؛ و این‌ها دقیقاً آرزوی من بودند. همین باعث شد که من بیشتر از همه خودم را نزدیک به آن‌ها بدانم، نزدیکی که چند ماه بیشتر دوام نداشت. با اعضویت زودهنگام و بر خلاف انتظارم در انجمن علمی، از نزدیک وارد روابط همین بچه‌ها شدم و با آن‌ها زمان گذراندم. در جمع‌های تصمیم‌گیری شان حضور داشتم و با آن‌ها فعالیت کردم. اما در انتهای سرخورده و دلگیر جدا شدم. فعالیت‌های شوراهای چند سال قبل از شورای ۹۵-۹۴ که همه‌ی آن‌ها را در واقع به علت سلسله مراتبی بودن و عدم وجود رقابت در انتخابات می‌توان یک شورا خواند، در جایگاه خود قابل تقدیر و انتقاد است. مسئله‌ای که مرا از هم راهی با بچه‌های قبل بیش از همه رنجاند، تفکریست که می‌خواهم از آن

پی نوشت: امیدوارم این متن باعث رنجش نشه؛ من پست های زیادی توی صفحه‌ی اینستاگرام پیرو این موضوع اما به طور غیرمستقیم گذاشته بودم و بین همه‌ی نهادها و گروه‌های دانشکده دوستای ارزشمندی دارم که هرگز قصد دور شدن ازشون رو ندارم. امیدوارم آرامش و دوستی خالصانه و حقیقی هم نشین همیشگی همه‌ی ما باشد.

به وضوح اثبات کرد. علاوه بر ما، فانوس هم به پشتوانه‌ی بچه‌هایی که شورای صنفی وظیفه‌ی خدمت به آن‌ها هم دارد، وجود دارد. فانوس، فعالیت‌ها و خوبی‌ها و بدی‌هایش به اهالی اش مربوط است، و شورای صنفی در محدوده‌ی وظایفش به همه‌ی دانشجویان دانشکده، بدون در نظر گرفتن جناح و طرز تفکرشان خدمت می‌کند و در راستای همان ارزش‌هایی که در گذشته و به پاس برآمده بودن از میان دانشجویان به آن‌ها پرداخته، حرکت خواهد کرد. پس مطمئن باشیم که تلاش‌ها و آرمان‌های گذشته هرگز زیر پا گذاشته نخواهند شد. فانوس برای کمک در برگزاری جشن ورودی بچه‌های ۹۵ به شورای صنفی پیشنهاد همکاری داد و حال عده‌ای از همکاری این دو گروه ناراضی اند و باز به دوری و گستاخی دامن می‌زنند. هم‌دلی و هم‌بستگی ظاهری که از خفقان و سکوت مخالفان نشات می‌گیرد خالی از هرگونه لطف است. ما در انتخابات اخیر تنها مخالفتمان را بیان کردیم، و این موضوع هرگز به خودی خود متضاد هم‌بستگی و وحدت بین ما نیست. آغوش شورای صنفی رو به همه‌ی دانشجویان و نهادهای دانشکده باز است و خواهد بود.

این بار من به عنوان یک دانشجوی کوچک به همه‌ی دوستانم در شورا، انجمن، فانوس و دیگرانی که خود را به هیچ کدام از این نهادها نزدیک نمی‌دانند، پیشنهاد می‌کنم که گذشته‌ها را کنار بگذاریم و چپ و راست و موافق و مخالف را از یک گام عقب تر آن‌جا که همه انسانیم و مهر و محبت اصلی ترین رکن انسانیت است، ببینیم. قبل از دیگران، خودمان را بستجیم و یادمان باشد که ما حرص می‌خوریم، حسد می‌ورزیم و به کل در کنار خوبی‌های یک انسان، بدی‌هایش را هم داریم. پس بکوشیم تا بدی را از خودمان جدا کنیم و انسان‌ها را فرای طرز تفکرšان دوست داشته باشیم.

در انتهای برای همه‌ی بچه‌های ورودی جدید فضایی دوستانه و سرشار از مهر و محبت را با همیاری و نزدیکی همه‌ی نهادهای دانشکده آرزو دارم. و امیدوارم با دستان پر مهرتان گل‌های عشق را بر قلب دانشکده مان بیش از پیش بکاریم.



جشن یلدای ۱۳۹۴  
برترین عکس فصل دانشگاه امیرکبیر



دانشگاه صنعتی امیرکبیر  
(پلی تکنیک تهران)



شورای صنوفی دانشکده  
مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات



دانشکده مهندسی  
کامپیوتر و فناوری اطلاعات